



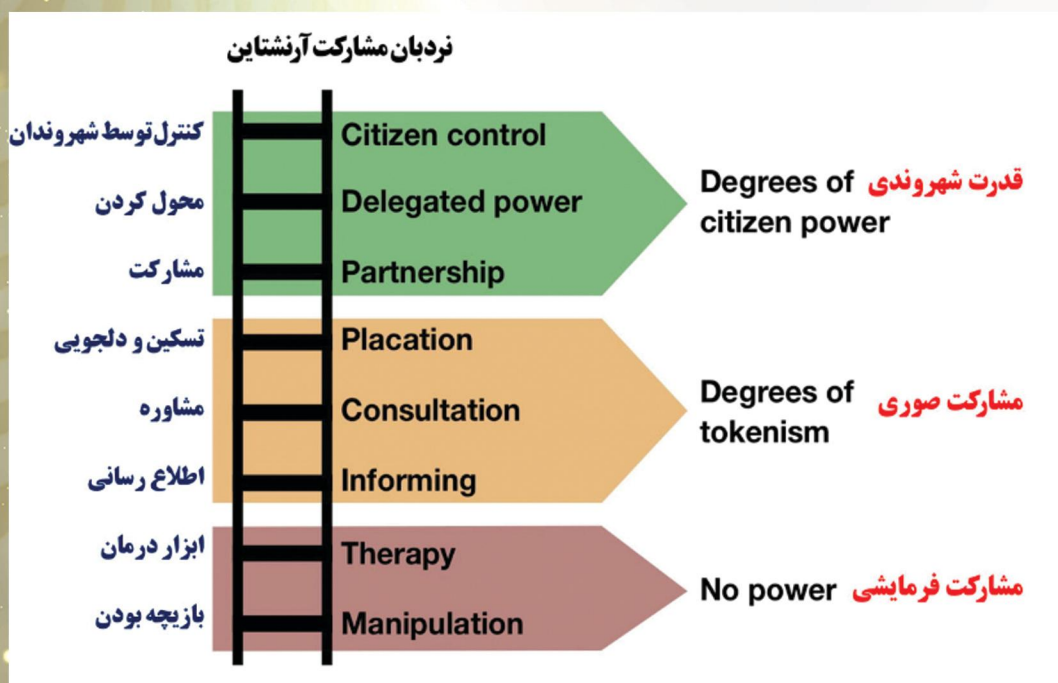
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری



تک نگاشت

ضرورت مشارکت مردمی

در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری



نویسندگان:

ابراهیم کریمی سنگچینی، سید حسین آرامی، احسان الوندی،
علی دسترنج، ابراهیم یوسفی مبرهن، مریم‌سادات جعفرزاده

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری
مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان

تک‌نگاشت:

ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری

نویسندگان:

ابراهیم کریمی سنگچینی، سید حسین آرامی، احسان الوندی، علی دسترنج، ابراهیم یوسفی
میرهن، مریم‌سادات جعفرزاده

شماره ثبت: ۶۹۱۸۸

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری
مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان

عنوان: ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری
نویسندگان: ابراهیم کریمی سنگچینی، سید حسین آرامی، احسان الوندی، علی دسترنج، ابراهیم یوسفی
مبرهن، مریم‌سادات جعفرزاده
ویراستار: سعید نبی‌پی لشکریان
صفحه‌آرایی و طراحی جلد: عباس صدیق
ناشر: پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری
شمارگان: ۱۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۵

این اثر در مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ با شماره ۶۹۱۸۸ در مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی به ثبت رسیده است. حق چاپ محفوظ است. نقل مطلب، تصاویر، جدول‌ها، منحنی‌ها و نمودارها با ذکر مأخذ بلامانع است.

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	۱- مقدمه
۴	۲- مفهوم مشارکت
۵	۳- تاریخچه مشارکت مردمی
۶	۴- اصول مشارکت
۸	۵- موانع مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری
۱۰	۶- سطوح مشارکت مردمی
۱۹	۷- پایه‌های اطلاعاتی مشارکت مردمی
۱۹	تحلیل و تشخیص معضلات
۲۰	۸- شیوه‌های مشارکت مردم در کشاورزی و منابع طبیعی
۲۳	۹- معیارهای فرآیندی مشارکت در مدیریت حوزه آبخیز
۲۴	۱۰- دیدگاه‌های موجود در رویکرد مشارکتی
۲۵	۱۱- پیش‌نیازها و اصول مشارکت کارآمد
۲۷	۱۲- اهمیت مشارکت زنان در حفاظت از منابع طبیعی
۲۹	۱۲-۱- راهبردهای جلب مشارکت زنان در منابع طبیعی
۳۰	۱۲-۲- نقش دولت در فرآیند مشارکت زنان در حفاظت از منابع طبیعی
۳۱	۱۳- انواع مشارکت در پروژه‌های آبخیزداری
۳۱	۱۴- عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری
۳۷	۱۴-۱- مروری بر یافته‌های پژوهشی داخلی در پژوهشکده و مراکز استانی
۳۸	۱۵- بحث و نتیجه‌گیری
۳۹	منابع
۴۴	Abstract

فهرست شکل‌ها

۱۱	شکل ۱- بسته مشارکت مردمی، منبع: Hampton (۱۹۷۷)
۱۳	شکل ۲- مراحل تدریجی رشد و ارتقاء مشارکت در نردبان آرنشتاین (Arnstein, ۱۹۶۹)
۱۷	شکل ۳- سطوح مشارکت (منبع: Delli Priscoli, ۲۰۰۳)

- شکل ۴- حلقه مشارکت (منبع: Creighton, ۲۰۰۵)..... ۱۸
- شکل ۵- عوامل مؤثر بر مشارکت‌های مردمی در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی..... ۳۳

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱- اولویت‌بندی موانع پیشروی مشارکت روستاییان در اجرا و بهره‌برداری آبخیزداری..... ۹
- جدول ۲- چارچوب کلی مشارکت مردمی..... ۱۱
- جدول ۳- نردبان مشارکت شریارنشتاین..... ۱۳
- جدول ۴- سطوح مشارکت..... ۱۵
- جدول ۵- زنجیره مشارکت مردمی افزایش میزان همکاری..... ۱۶
- جدول ۶- گستره مشارکت IAP2 افزایش سطح تأثیرگذاری شهروندان..... ۱۸
- جدول ۷- شرح معیارهای فرآیندی مشارکت در مدیریت حوزه آبخیز..... ۲۳
- جدول ۸- مقایسه دیدگاه‌ها در زمینه رویکرد مشارکتی..... ۲۵
- جدول ۹- بررسی تجربیات چند دهه گذشته در مورد سیر تحول اندیشه و رویکرد مشارکتی..... ۲۵
- جدول ۱۰- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در پروژه‌های آبخیزداری (بقایبی و همکاران، ۱۳۸۵)..... ۳۳
- جدول ۱۱- عوامل کلیدی مؤثر بر مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری و تحلیل اهمیت هر یک..... ۳۵

چکیده

این تک‌نگاشت با عنوان « ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری»، به بررسی نقش محوری مشارکت فعال و آگاهانه جوامع محلی و ذی‌نفعان در موفقیت و پایداری پروژه‌های آبخیزداری می‌پردازد. با توجه به وسعت عرصه‌های تخریب‌یافته و محدودیت منابع دولتی، مشارکت مردمی به‌عنوان عاملی کلیدی در افزایش اثربخشی، کاهش هزینه‌ها و تضمین تداوم پروژه‌ها شناسایی شده است. این اثر با مروری بر تاریخچه، مفاهیم، اصول و سطوح مختلف مشارکت، به تبیین موانع پیش‌روی مشارکت مردمی از جمله ناهمخوانی پروژه‌ها با نیازهای محلی، موانع مالی، فرهنگی و ساختاری و عوامل مؤثر بر آن مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و نگرشی می‌پردازد. همچنین، شیوه‌های مختلف مشارکت (بالا به پایین، پایین به بالا و تلفیقی) و الگوهای معروفی مانند «نردبان مشارکت آرنشتاین» و «گستره یاپتو»^۱ معرفی و تحلیل شده‌اند. نقش ویژه زنان در حفاظت از منابع طبیعی و راهبردهای جلب مشارکت آنان، پیش‌نیازها و اصول مشارکت کارآمد (مانند آگاهی‌بخشی، احترام به دانش بومی و مشارکت در تمام مراحل پروژه) از دیگر محورهای اصلی این نوشتار هستند. در نهایت، این نتیجه حاصل می‌شود که تحقق مدیریت جامع و پایدار حوزه‌های آبخیز در گرو گذار از رویکردهای متداول و اتخاذ رویکردی مشارکتی، مبتنی بر اعتماد متقابل، توانمندسازی جوامع محلی و تلفیق دانش بومی با علوم نوین است.

واژه‌های کلیدی: آبخیزداری، توانمندسازی، توسعه پایدار، مدیریت جامع، مشارکت مردمی.

۱- مقدمه

منابع طبیعی به‌عنوان منابع پایه تولید به شدت در معرض تخریب قرار گرفته است. این منابع علی‌رغم ارزش‌ها و اهمیت‌های فراوان در تولید مستمر و پایدار، حفاظت آب و خاک و پایداری اکوسیستم متأسفانه به‌دلیل بروزکردن مولفه‌های متعددی دستخوش تحولات و دگرسانی‌های زیادی در جهت تخریب و سیر

----- ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری / ۲

قهقرایی شده است. به بیان بهتر تخریب منابع طبیعی حاصل و برآیند مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اقلیمی، بوم‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی است که به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران فراتر از شرایط طبیعی شکننده، آنچه که در عرصه تخریب منابع طبیعی اهمیت جدی‌تری دارد، علل اقتصادی-اجتماعی است. یکی از عوامل مؤثر در موفقیت اجرای پروژه‌های آبخیزداری، ایجاد انگیزه مشارکت در میان ساکنان حوزه آبخیز به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر اقدامات گسترده و مفیدی در جهت جلب مشارکت مردمی و نهادهای دولتی و غیردولتی برای همکاری و کمک در امر حفاظت و احیای منابع طبیعی در ایران صورت گرفته است (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۳).

مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری با توجه به آشنایی خوب ساکنین بومی با تاریخچه منطقه و شرایط ویژه حوزه آبخیز و نیروی کار ارزان آن‌ها و همچنین دلسوزی این افراد برای به ثمر نشستن پروژه و بهبود شرایط منطقه و نیز با توجه به کمبود شدید امکانات و سرمایه‌های دولتی در مقابل وسعت زیاد آبخیزهای تخریب‌یافته، می‌تواند به‌عنوان عاملی مثبت در اثرگذاری پروژه‌های آبخیزداری و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده مطرح باشد. یکی از فاکتورهای اساسی در افزایش نرخ مشارکت، توانمندسازی افراد از طریق به‌کارگیری طیف گسترده‌ای از انواع آموزش‌ها است (جعفری و بیات، ۱۴۰۴).

ضرورت مشارکت مردم^۱ در امر احیاء، مدیریت و اجرای پروژه‌های منابع طبیعی از موارد ضروری در موفقیت برنامه‌های مدیریتی است (خلیقی و چکشی، ۱۳۸۴). تجارب متعدد عدم موفقیت پروژه‌های مدیریت منابع طبیعی در اثر عدم مشارکت بهره‌برداران، خود بیانگر اهمیت مشارکت آنان در برنامه‌های مدیریتی است. مشارکت بیشتر و مؤثر مردم در صورتی قابل انتظار است که تطابق بیشتری میان نیازهای مردم و اهداف پروژه وجود داشته باشد (Alathur و Pai، ۲۰۲۵). فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی نیازمند دستیابی به تعادل میان قدرت‌های مؤثر در مدیریت روستا است که از این فرآیند به‌عنوان مدیریت

مشارکتی^۱ یاد می‌شود. در مدیریت مشارکتی تمامی فعالیت‌های مشارکتی در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شوند (Hare و Krywkow، ۲۰۰۸).

در رویکرد ارزیابی و مدیریت یکپارچه آبخیز، توجه به سلامت اقتصادی و اجتماعی جامعه آبخیزنشین به همراه و نیز در ارتباط با عوامل بیوفیزیکی ضروری است (جعفری و صالح‌پورجم، ۱۴۰۲). هم‌فکری و مشاوره با ذی‌نفعان از عوامل کلیدی در مرحله تعریف مشکل و توسعه فرآیند مدل‌سازی مشارکتی^۲ است (Chan و همکاران، ۲۰۰۸). مدل‌سازی مشارکتی و دخالت ذی‌نفعان در مراحل مختلف تهیه مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها، راه‌حل مؤثری در تصمیم‌سازی و اتخاذ تصمیم در شرایط دشوار است که در آن، مشارکت مردمی عامل اصلی در موفقیت فرآیند ارزیابی جامع است (Newham و همکاران، ۲۰۰۶).

مرور منابع و تجارب داخلی و بین‌المللی در حوزه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، بر چند محور کلیدی اتفاق نظر دارد: نخست، شکست پروژه‌های صرفاً فنی-مهندسی بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی-اقتصادی و عدم مشارکت ذی‌نفعان محلی (ملک‌محمدی، ۱۳۷۳؛ بقایی و همکاران، ۱۳۸۵). دوم، اثربخشی و پایداری بالاتر پروژه‌هایی که مبتنی بر مشارکت فعال، آگاهانه و داوطلبانه جامعه محلی طراحی و اجرا شده‌اند (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۳؛ Newham و همکاران، ۲۰۰۶). سوم، ضرورت گذار از الگوهای "بالا به پایین" به سمت الگوهای "تلفیقی" و "مشارکتی" که در آن دولت نقش تسهیل‌گر و حامی را ایفا کرده و دانش بومی در کنار دانش فنی روز به کار گرفته می‌شود (زیادبخش، ۱۳۸۵؛ Pai و Alathur، ۲۰۲۵). چهارم، لزوم در نظرگیری همه ذی‌نفعان، به‌ویژه زنان، به‌دلیل ارتباط مستقیم و دانش ویژه‌ای که در بهره‌برداری و حفاظت از منابع دارند (کریمی سنگچینی، ۱۴۰۲؛ Unesco، ۱۹۹۵). در مجموع، ادبیات موضوع قویاً مؤید این اصل است که مشارکت واقعی مردم، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق مدیریت جامع، پایدار و کم‌هزینه حوزه‌های آبخیز است.

1 - Participatory management

2 - Participatory modelling

۲- مفهوم مشارکت

مشارکت در لغت به معنای شرکت دوجانبه و همکاری متقابل افراد برای انجام کاری مشترک است. معادل‌های فارسی آن همچون «هم‌بازی»، «انبازی» و «همراهی» بر همین مفهوم دلالت دارند. در ادبیات توسعه، مشارکت فرآیندی تعاملی و آگاهانه میان مردم و نهادهای دولتی/اجرایی تعریف می‌شود که بر پایه اعتماد متقابل و داوطلبانه استوار است (کریمی سنگچینی و همکاران، ۱۴۰۱).

مشارکت فرآیندی است دوسویه و تعاملی. یک سوی آن مردمانند و دیگر سوی آن دستگاه‌های اجرایی و دولت. در این فرآیند ایجاد اعتماد متقابل و کسب اعتماد مردم ضرورت دارد. مشارکت عبارت است از تقبل آگاهانه و شرکت مؤثر و فعال همه افراد یک جامعه برای دستیابی به یک هدف خاص است. براساس این تعریف مشارکت دارای اصول و ارکانی است که بایستی در فرآیند مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای مورد توجه واقع شوند (مصفاei، ۱۴۰۳). این اصول به شرح زیر است:

۱. آگاهی و دانش: افراد باید از اهداف، فرآیندها، مزایا و پیامدهای پروژه آگاهی کامل داشته باشند (طالشی و عفتی، ۱۳۹۶).

۲. تطابق با منافع و نیازهای مشترک: مشارکت زمانی نهادینه می‌شود که بین اهداف پروژه و نیازها، علایق و منافع جامعه محلی هم‌خوانی وجود داشته باشد. درک این منافع مشترک مهم‌ترین انگیزه برای مشارکت داوطلبانه و پایدار است (خلیقی و همت‌زاده، ۱۳۸۵؛ Pai و Alathur، ۲۰۲۵).

۳. احترام به دانش و توانمندی‌های بومی: به رسمیت شناختن تجربه و شناخت محلی، اعتماد را تقویت کرده و زمینه تعامل سازنده را فراهم می‌آورد.

۴. مشارکت در تمام مراحل: از تشخیص مشکل و تصمیم‌گیری تا اجرا، پایش و بهره‌برداری.

مشارکت از دو دیدگاه کلی دیده می‌شود:

۱. مشارکت به‌عنوان «وسیله» و «هدف» توسعه: مشارکت هم یک راه است برای رسیدن به توسعه و هم خودش یک مقصد مهم است. به‌عنوان وسیله: مشارکت مردم باعث می‌شود پروژه‌ها بهتر

اجرا شوند، هزینه کمتر شود و نتایج ماندگارتر باشند. به‌عنوان هدف: یکی از نشانه‌های یک جامعه پیشرفته و پایدار، این است که مردم در سرنوشت محیط زندگی خود نقش فعال دارند. این نوع مشارکت به حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده کمک می‌کند.

۲. مشارکت به‌عنوان یک «رفتار اجتماعی»: جامعه‌شناسان مشارکت را یک رفتار می‌دانند که مانند هر رفتار دیگری، ریشه در فرهنگ، باورها و عادت‌های جامعه دارد. جوامعی که همکاری و کمک متقابل در فرهنگ آن‌ها ارزش دارد، مردم راحت‌تر در پروژه‌ها مشارکت می‌کنند. مشارکت یک رفتار اکتسابی است؛ یعنی جامعه از طریق خانواده، آموزش و تجربه‌های زندگی، آن را به افراد می‌آموزد. در این دیدگاه، تا زمانی که مردم دلایل شخصی و معناداری برای مشارکت نداشته باشند، مشارکت واقعی شکل نمی‌گیرد (ثلاثی، ۱۳۹۲).

۳- تاریخچه مشارکت مردمی

موضوع مشارکت از آنجا به شکل امروزی خود آغاز گشت که نزدیک به دو دهه پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در تلاش افتادند کشورهای به‌جامانده از قافله توسعه را با اجرای پروژه‌های موردی و موضعی از توسعه نیافتگی در آورند. بعد از اجرای صدها طرح در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا، دست‌اندرکاران و کارشناسان این‌گونه طرح‌ها در عمل دریافتند که کار به پیش نمی‌رود و تلاش آن‌ها با کامیابی توأم نیست (مهرابی، ۱۳۸۵). در واکنش‌های مردم این سرزمین‌ها، کارشناسان در عمل و تجربه دریافتند که مسئله و مشکل به نوع نگاه نهفته در این گونه اقدام‌ها ارتباط دارد. هرچند حرکت‌ها و اقدامات با نیت خیر و با قصد نجات مردمان این سرزمین‌ها ساخته و پرداخته شده‌اند، اما در عمل دیدگاه‌ها هم به لحاظ اقتصادی و هم در اجرا دیدگاهی فنی است. مردمان در این حرکت‌ها و اقدام‌ها حضور ندارند (مهرابی، ۱۳۸۵). فاو در یکی از گزارش‌هایی که منتشر کرده است، مسئله را این‌گونه بیان کرده، "رویکرد مشارکتی به‌عنوان ابزاری ممتازی که زمینه شرکت فعال و مسئولانه مردم را فراهم می‌کند، از اعتراف به شکست ترویج استراتژی‌های دخالت‌جویانه در گذشته شده است. هم‌چنین به‌تازگی اراده

حکومت‌ها بر این قرار گرفت که بعد مشارکتی را در سیاست‌های توسعه روستایی وارد کنند" (بیرشک، ۱۳۶۴).

ایرانیان در طی قرن‌های متمادی، با انجام خدمات مشارکتی و جمعی آشنایی داشته‌اند. به‌عنوان نمونه در پاره‌ای از بخش‌های کتب "اخلاق ناصری"، "قابوسنامه"، "اسرار التوحید" و "تذکره الاولیاء" به صور زیبایی بحث مشارکت و تعاون مطرح شده و شواهد موجود نیز حاکی از آن است که مساعدت و همکاری مردمان این سرزمین با یکدیگر، از گذشته‌های دور آغاز شده و علاوه بر رسوخ در ادبیات و عرفان، روابط اجتماعی مردم سرزمین ما را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. تعاون و همکاری از اصول اولیه زندگی مردم کشورمان محسوب می‌شود و به‌عنوان یک ارزش، از گذشته‌های دور مطرح بوده است (بهبهانی و قاسمی، ۱۳۷۴). هم-چنین نظام تولیدی زراعی- مشارکتی در مناطق شرق ایران تا قبل از ۱۳۴۰ وجود داشته که معروف‌ترین این واحدها به نام‌های "بنه" در تهران، "صحرا" در خراسان، "حراثه" در شیراز و کرمان و ... معمول است. اساس این تشکیلات مردمی، برپایه تعاون و مددجویی مردم از هم استوار بوده است. تصمیمات و برنامه‌ریزی ایلاتی، اگرچه به‌وسیله روسای ایلات گرفته می‌شد، ولی همواره از مشورت پیران و ریش‌سفیدان استفاده می‌شد. مشارکت و تعاون رمز ادامه حیات حدود ۵ هزار سال سابقه کوچ‌نشینی و دامداری را محیا ساخته است (بهبهانی و قاسمی، ۱۳۷۴).

۴- اصول مشارکت

مشارکت فرآیندی است که دارای سه اصل است که عبارتند از :

- ✓ اصل گفتمان؛ اجازه می‌دهد که کلیه علاقمندی‌ها و دلبستگی‌های مشارکت‌کنندگان برای تنظیم و شکل‌دهی آن‌ها در چارچوب گفتمان میسر شود.
- ✓ اصل تفاهم و اجماع؛ سپس این گفتمان را به توافق در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها مبدل سازند.
- ✓ اصل رضایت‌مندی؛ در نهایت در حد امکان علاقه‌مندی‌ها و اهداف همه دلبستگی‌های مشارکت-کنندگان مورد توجه قرار دهند یا رضایت‌مندی حاصل می‌شود.

در واقع مشارکت مردم به‌ویژه گروه‌های هدف، توسعه محلی و توسعه منطقه‌ای را که نوعی عدم تمرکز در برنامه‌ریزی است، تسهیل می‌کند. این نوع مشارکت بر عناصر راهبردی استوار است و عبارتند از:

- مشارکت عمومی گروه‌های محروم

در رویکرد مشارکت واقعی، تمرکز ویژه‌ای بر جلب و توانمندسازی **گروه‌های محروم** وجود دارد. محرومیت در اینجا می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- **محرومیت مالی و اقتصادی:** بسیاری از روستاییان و بهره‌برداران منابع طبیعی، به‌رغم

وابستگی معیشتی به این منابع، از سرمایه و امکانات مالی کافی برای اجرای پروژه‌های حفاظتی یا بهره‌برداری پایدار برخوردار نیستند. این محرومیت، مشارکت آنان را حتی در صورت تمایل شخصی، با مانع جدی مواجه می‌سازد.

- **محرومیت در تصمیم‌گیری و قدرت:** این گروه‌ها غالباً در فرآیندهای برنامه‌ریزی و

تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیماً بر زندگی و منابع معیشتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، **نقشی ندارند**. پروژه‌ها بدون نظرخواهی واقعی از آنان تدوین و ابلاغ می‌شود که منجر به بی‌اعتمادی و کاهش انگیزه مشارکت می‌شود.

- **محرومیت اطلاعاتی و آموزشی:** دسترسی ناکافی به اطلاعات شفاف درباره پروژه‌ها،

حقوق قانونی، فناوری‌های مناسب و روش‌های پایدار بهره‌برداری، موجب می‌شود این گروه‌ها نتوانند در تعامل با مجریان پروژه، موضعی فعال و آگاهانه داشته باشند.

- **محرومیت اجتماعی و فرهنگی:** در برخی موارد، زنان، عشایر یا جوامع

حاشیه‌نشین به دلیل هنجارهای اجتماعی یا ساختارهای قدرت محلی، از عرصه تصمیم‌گیری و مدیریت منابع طبیعی کنار گذاشته می‌شوند و دانش و تجربه ارزشمند آنان نادیده گرفته می‌شود.

- ایجاد شیوه‌های پایدار مشارکتی و یا مشارکت دموکراتیک

- ایجاد شیوه‌های تصمیم‌گیری یا شیوه‌های عقلانی مناسب (تصمیم‌گیری مشترک مردم و دولت) و مبادله اطلاعات مردم و دولت (Mogomotsi و همکاران، ۲۰۲۰).

در نتیجه، مشارکت کارآمد تنها زمانی محقق می‌شود که بر پایه‌ی گفت‌وگو آزاد، هم‌سویی با منافع محلی و توانمندسازی واقعی تمامی ذی‌نفعان، به‌ویژه گروه‌های محروم، استوار باشد.

۵- موانع مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری

موفقیت در اجرا و بهره‌برداری از آبخیزداری در گرو اهداف چندمنظوره آن در سطوح مختلف فنی، اجتماعی، سیاسی و غیره می‌باشد. اهداف پی‌بینی شده در این پروژه‌ها شامل مهار و مبارزه با فرسایش و هدررفت آب، بهینه‌سازی استفاده از منابع آب و خاک، افزایش بهره‌وری آبخیزها اعم از گیاهی و دامی، افزایش درآمد ساکنین آبخیزها و کاهش خسارات ناشی از فرسایش خاک و سیل و اهدافی از این قبیل است. دست‌یابی به اهداف یادشده با محوریت مشارکت مردم در اجرای پروژه‌های آبخیزداری و در قالب شیوه‌های فنی، مهندسی، زیستی و ترویج و آموزشی است (شیخ و مصطفی زاده، ۱۳۹۲).

در برنامه‌های آبخیزداری معمولاً باید عوامل اجتماعی، اقتصادی و سازمانی مؤثر در داخل و خارج آبخیز را در نظر گرفت. در واقع یکی از دلایل شکست برنامه‌های مدیریتی در سطح آبخیز عدم پذیرش فعالیت‌ها برای آبخیزنشینان است (Hassan و همکاران، ۲۰۱۸). در این راستا مطالعه اثرات اقتصادی اجتماعی از جمله بخش‌های مهم در مطالعات مدیریت آبخیز تلقی می‌شود. اعتقاد بر این است که از طریق درگیر کردن مردم در مدیریت آبخیزها، مهارت‌های فنی و تحلیلی بهره‌برداران بهبود می‌یابد و حتی می‌تواند فراتر از تقویت سرمایه انسانی و منجر به تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی شود (کریمی سنگچینی و الوندی، ۱۴۰۲). مشارکت جامعه سبب کاهش هزینه‌ها در جمع‌آوری اطلاعات، تعیین راهکارها، توافق، تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می‌شود. مشارکت عمومی شامل هر گونه فرآیندی است که عموم را در حل مسأله، طرح‌ریزی، سیاست‌گذاری و یا تصمیم‌گیری دخالت دهد. همکاری و دخالت عموم

مردم منجر به تصمیماتی می‌شود که از پشتیبانی و تعهد جامعه برخوردار هستند، همچنین پاسخگوی نیازهای محلی و منعکس‌کننده خواسته‌های جامعه هستند (Stocker و همکاران ۲۰۲۰).

براساس مطالعات بقایی و همکاران (۱۳۸۵)، موانع مشارکت فعال و مؤثر جوامع و ساکنین محلی در اجرای پروژه‌های آبخیزداری و بهره‌برداری پایدار از آن‌ها به ترتیب اهمیت به شرح جدول ۱ است. براساس این جدول، موانع اصلی مشارکت مردمی را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد:

○ **موانع طراحی و برنامه‌ریزی:** هم‌خوانی نداشتن پروژه‌ها با نیازهای واقعی و اولویت‌های

مردم، آشنا نبودن مردم با اهداف پروژه، و بلندمدت بودن نتایج.

○ **موانع مالی و اقتصادی:** مشکلات تأمین هزینه‌ها، سختی شرایط دریافت تسهیلات و

وام، و پایین بودن انگیزه‌های مادی مستقیم.

○ **موانع دانشی و ارتباطی:** کمبود آموزش، نبود کارشناسان متخصص، ضعف ارتباط بین

روستاییان و کارشناسان، و محدود بودن آگاهی مردم در نگهداری از پروژه‌ها.

○ **موانع اجتماعی و نگرشی:** بی‌اعتمادی ناشی از شکست پروژه‌های پیشین دولتی، عدم

همراهی ریش‌سفیدان، و افزایش اختلافات محلی به دلیل اجرای پروژه.

این موانع نشان می‌دهند که برای جلب مشارکت، تنها درخواست همکاری کافی نیست و باید

برنامه‌ریزی، مشوق‌ها، آموزش و اعتمادسازی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند.

جدول ۱- اولویت‌بندی موانع پیش‌روی مشارکت روستاییان در اجرا و بهره‌برداری آبخیزداری

اولویت	شرح
۱	پروژه‌های آبخیزداری باید با نیازهای مردم هم‌خوانی داشته باشند.
۲	شرایط گرفتن وام خیلی سخت است.
۳	منطبق نبودن برنامه‌ها با نیازهای روستاییان
۴	مردم از نظر مالی نمی‌توانند از عهده انجام پروژه‌ها برآیند.
۵	نبود آموزش‌های لازم برای روستایی‌ها
۶	نبود نیروها و کارشناسان متخصص
۷	پایین بودن ارتباط روستایی‌ها با کارشناسان و مروجان منابع طبیعی
۸	محدود بودن میزان آگاهی روستاییان در مورد مراقبت از پروژه‌ها

اولویت	شرح
۹	عدم انگیزه مادی برای جلب مشارکت
۱۰	مردم از پروژه‌های آبخیزداری زیاد آشنایی ندارند.
۱۱	اختلافات بهره‌برداران با یکدیگر زیاد می‌شود.
۱۲	پروژه‌های آبخیزداری دیر بازده هستند.
۱۳	مردم با برنامه‌ها و اهداف آبخیزداری آشنا نیستند.
۱۴	ریش‌سفیدان و بزرگترها زیاد موافق این پروژه‌ها نیستند.
۱۵	پروژه‌های دیگری که دولت انجام داده بود، زیاد موفق نبودند.
۱۶	اعتباراتی که دولت بابت پروژه‌ها می‌پردازد، تأثیری در بهتر شدن اوضاع مردم ندارد.

۶- سطوح مشارکت مردمی

میزان و کیفیت مشارکت مردم می‌تواند بسیار متفاوت باشد. در یک سوی این طیف، مشارکت **نمادین و ظاهری** قرار دارد (مانند فقط اطلاع‌رسانی به مردم) و در سوی دیگر، مشارکت **واقعی و توانمندساز** مانند دادن حق تصمیم‌گیری و مدیریت به مردم). شناخت این سطوح به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا مشارکت را از شکل بی‌اثر به شکل مؤثر هدایت کنند (Fookes, ۱۹۹۶).

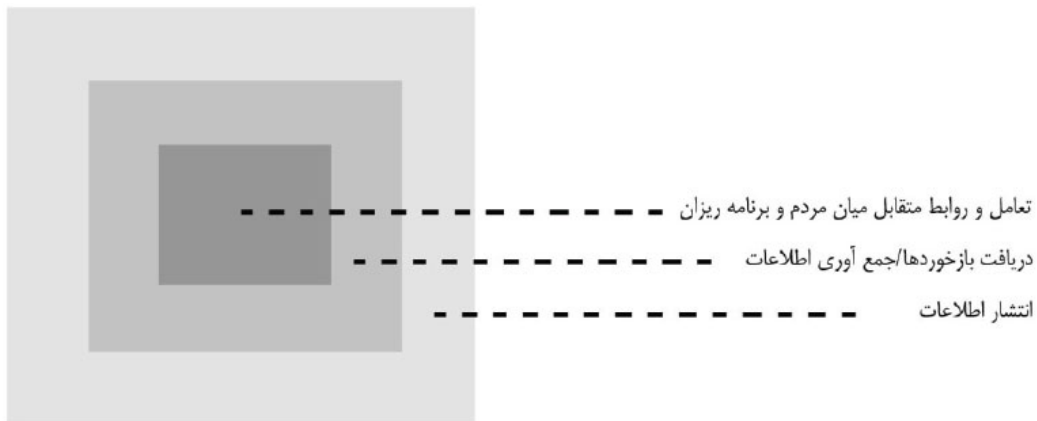
سطح‌های کلی مشارکت: مشارکت غیرفعال (اطلاع‌رسانی یک‌طرفه): در این سطح، مردم فقط از تصمیمات گرفته‌شده آگاه می‌شوند. نقش آنان منفعل است. مشارکت مشورتی: از مردم نظرخواهی می‌شود، اما تصمیم نهایی با برنامه‌ریزان است. این سطح می‌تواند به بهبود پروژه کمک کند، اما تضمینی برای در نظر گرفتن نظرات مردم وجود ندارد. مشارکت واقعی و توانمندساز: در این سطح، مردم به‌عنوان شریک در نظر گرفته می‌شوند. آنان در شناسایی مشکل، طراحی، اجرا، نظارت و بهره‌برداری از پروژه نقش فعال و تعیین‌کننده دارند. این سطح مطلوب‌ترین و پایدارترین شکل مشارکت در مدیریت منابع طبیعی است (Folhes و همکاران، ۲۰۱۵).

نتیجه کاربردی برای آبخیزداری: برای موفقیت پروژه‌های آبخیزداری، باید از سطح اول و دوم گذر کرد و به سمت **سطح سوم (مشارکت واقعی)** حرکت کرد. تجربه نشان داده است پروژه‌هایی که با این سطح از مشارکت اجرا می‌شوند، حمایت محلی قوی‌تری دارند و نتایج آن‌ها پایدارتر است (جدول ۲).

جدول ۲- چارچوب کلی مشارکت مردمی

انتشار اطلاعات	
چه اطلاعاتی؟	چه کسانی باید مطلع شوند؟
اطلاعات در مورد تصمیماتی که پیشتر از این گرفته شده‌اند . اطلاعات در مورد گفت‌وگوهای صورت گرفته پیرامون موضوع. حکومت باز: تمامی اطلاعات آزادانه در دسترس قرار می‌گیرند.	گروه‌های منتخب اصلی، مانند بدنه اصلی مردم یا گروه‌های مهم تجاری گروه‌های منتخب فرعی و کوچک‌تر، مانند گروه‌های ذی‌نفع محلی عموم مردم
جمع‌آوری اطلاعات/ دریافت بازخوردها	
چه اطلاعاتی؟	به حرف چه کسانی باید گوش داد؟
اطلاعاتی در مورد حقایق فیزیکی (اطلاعات اصلی پروژه) مانند اطلاعات آماری اطلاعات در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده بخش خصوصی و گروه‌های مردمی اطلاعات در مورد دیدگاه‌ها و نظریات مردم	گروه‌های منتخب اصلی، مانند بدنه اصلی مردم یا گروه‌های مهم تجاری گروه‌های منتخب فرعی و کوچک‌تر، مانند گروه‌های ذی‌نفع محلی عموم مردم
روابط متقابل برنامه‌ریزان و مردم	
چگونه رابطه‌ای؟	منظور از مردم چه کسانی هستند؟
از طریق مناظرات گسترده به‌طور مثال، به کمک انتشار اطلاعات بیشتر از طریق درگیر ساختن گروه‌های منتخب به‌طور مثال، گروه‌های تحقیق برای گروه‌های ذی‌نفع از طریق تشویق و حمایت مردم	گروه‌های منتخب اصلی، مانند بدنه اصلی مردم یا گروه‌های مهم تجاری گروه‌های منتخب فرعی و کوچک‌تر، مانند گروه‌های ذی‌نفع محلی عموم مردم

• منبع: Hampton (۱۹۷۷)



شکل ۱- بسته مشارکت مردمی، منبع: Hampton (۱۹۷۷)

ویلیام همپتون به کمک این چارچوب ارائه شده، سه الگوی مناسب و معقول از چگونگی دخالت و مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد. چه بسا مدل اول را نتوان مدل مشارکتی تلقی کرد، اما مدل دوم شیوه‌ای است که برنامه‌ریزانی که با محدودیت منابع مواجه‌اند، یا برنامه‌ریزان محتاطی که احساس می‌کنند مشارکت انبوه مردم وهم و خیال است، از آن استفاده می‌کنند. در مقابل این دو مدل، مدل سوم رهیافتی است که به مردم سالاری مشارکتی می‌انجامد (Hampton, ۱۹۷۷).

الگوی یک:

- الف: انتشار اطلاعات در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده، به منتخبان اصلی؛
- ب: دریافت بازخوردها در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده از منتخبان اصلی؛ و
- ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم، از طریق گفت‌وگوهای گسترده با منتخبان اصلی.

الگوی دو:

- الف: انتشار اطلاعات در مورد مباحث صورت‌گرفته به منتخبان فرعی؛
- ب: دریافت بازخوردها در مورد دیدگاه‌ها و نظریات مردم از منتخبان فرعی؛ و
- ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم، به وسیله درگیر ساختن گروه‌های منتخب فرعی از طریق گروه‌های تحقیق.

الگوی سه:

- الف: انتشار تمامی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات برای عموم؛
- ب: دریافت بازخوردها در مورد نگرش‌ها و نظریات از عموم مردم؛ و
- ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم با نزدیک شدن به عموم مردم.

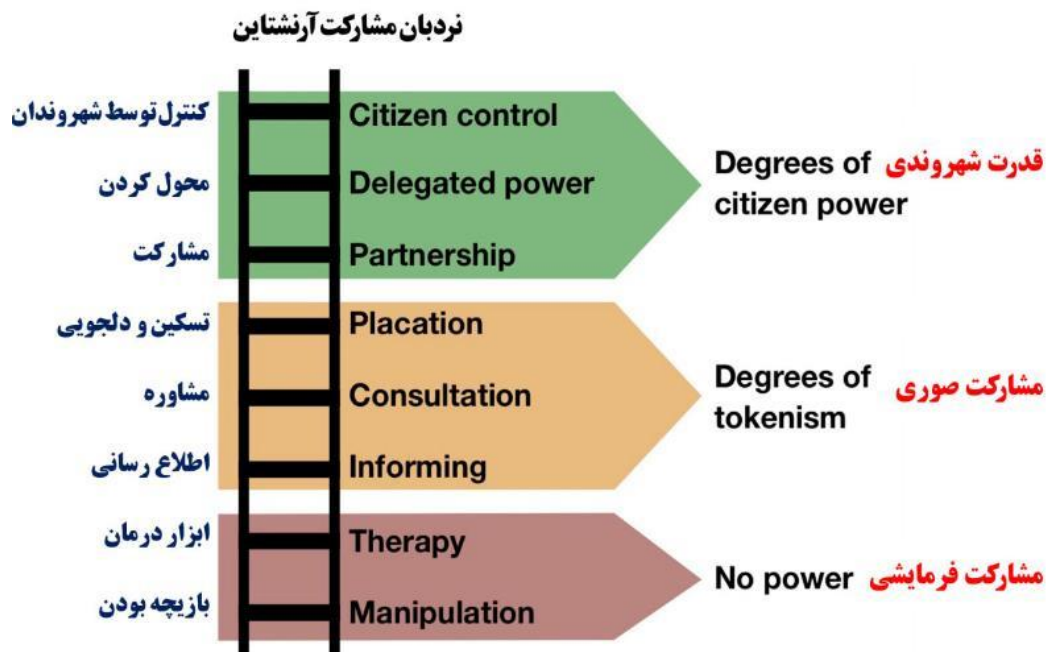
• نردبان مشارکت: از مشهورترین نظریه‌ها در زمینه مشارکت مردمی، نظریه نردبان مشارکت شری-

ارنشتاین است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح گردیده است (جدول ۳ و شکل ۲). وی مشارکت مردمی را در هشت درجه یا سطح تعریف کرده است که طیفی از فریب کاری تا اختیار کامل

جدول ۳- نردبان مشارکت شری‌ارنشتاین

درجات قدرت	نوع و سطح دخالت شهروندان	پله های نردبان مشارکت شهروندی
محرومیت از مشارکت	از تشکیل کمیته‌های فرمایشی	فریب‌کاری Manipulation
	آموزش/ درمان شهروندان به وسیله صاحبان قدرت	درمان Therapy
مشارکت جزئی	تعیین حقوق شهروندان	اطلاع‌رسانی Informing
	دیدگاه‌های شهروندان شنیده می‌شود ولی لزوماً ممکن است مورد توجه قرار نگیرد	مشاوره Consultation
	پیشنهاد‌های شهروندان دریافت می‌شود ولی الزاماً براساس آن عمل نمی‌شود	آرامش بخشیدن Placation
قدرت شهروندان	پذیرش مصالحه و برقراری توازن	شراکت Partnership
	قدرت مدیریت در تمام یا بخشی از برنامه، به شهروندان داده می‌شود	قدرت تفویضی Delegated Power
	-	اختیار شهروندان Citizen Control

• منبع: (Arnstein, ۱۹۶۹)



شکل ۲- مراحل تدریجی رشد و ارتقاء مشارکت در نردبان آرنشتاین (Arnstein, ۱۹۶۹).

گستره چهارسطحی برنز: برنز مشارکت را در چهار سطح یا مهارت طبقه‌بندی کرده است (Sanoff, ۲۰۰۰):

آگاهی‌رسانی: این سطح شامل کشف و بازکشف حقایق محیط و شرایط است تا هر کس که در این فرآیند مشارکت می‌کند با زبانی مشترک بر پایه مهارت‌ها در زمینه‌ای که تغییرات پیشنهاد شده است، سخن بگوید. **ادراک:** این سطح، نتیجه آگاهی‌رسانی از شرایط به منظور فهم آن و نتایج فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن است. این بدان مفهوم است که مردم با یکدیگر صحبت و مشورت می‌کنند و بنابراین، ادراک اهداف و انتظارات همه مشارکت‌کنندگان، به جای برنامه‌های پنهانی (که عموماً موجب مختل شدن پروژه در درازمدت می‌شود)، به منبعی برای برنامه‌ریزی بدل می‌شود.

تصمیم‌سازی: در این مرحله، مشارکت‌کنندگان براساس دو مرحله آگاهی‌رسانی و ادراک، شروع به آفریدن طرح‌های فیزیکی واقعی براساس اولویت‌هایشان می‌کنند تا متخصصان با تلفیق گزینه‌ها به برنامه و طرح نهایی دست یابند.

اجرا: بسیاری از پروژه‌ها و برنامه‌های جامعه‌محور در همان مراحل آگاهی‌رسانی یا ادراک و تصمیم‌سازی متوقف می‌شوند، که این همان علت عدم موفقیت بسیاری از این پروژه‌هاست، زیرا درست زمانی که مردم می‌توانند مهم‌ترین نقش را ایفا کنند کنار گذاشته می‌شوند. این در حالی است که مردم باید در تمامی طول فرآیند مشارکت داشته باشند، مسئولیت بپذیرند و همپای متخصصان به ایفای نقش پردازند تا پروژه به نتیجه مطلوب دست یابد.

گستره دوسطحی دشلر و سوک: دشلر و سوک، طبقه‌بندی این دوسطحی را در زمینه مشارکت ارائه می‌کنند (Deshler و Sock, ۱۹۸۵).

جدول ۴- سطوح مشارکت

شبه مشارکت	
این سطح شامل آگاهی‌دادن، درمان و فریب است.	Domestication مطیع‌سازی
این سطح شامل تسکین مردم و مشورت با آنان است.	Assistencialism یاری و همکاری
مشارکت واقعی	
این سطح شامل مشارکت و تفویض قدرت است	Cooperation همکاری کردن
این سطح به معنای دادن اختیار کامل به شهروندان	Citizen Control نظارت شهروندی

• منبع: (Deshler و Sock, ۱۹۶۹)

مشارکت شهروندان در جایی که کنترل پروژه را سرپرست پروژه برعهده دارد، درواقع همان شبه مشارکت است؛ به این مفهوم که در این سطح مردم را جمع می‌کنند تا تنها شنونده آنچه که قرار است برای آنان برنامه‌ریزی شود، باشند. مشارکت واقعی زمانی محقق می‌شود که قدرت نظارت بر اقدامات و تصمیمات، به مردم داده شود. تفاوت میان گونه‌های مشارکت بسیار مهم است، زیرا مشارکت نیازمند توجه عمیق به رفتارهای ارتباطی در طول فرآیند است تا بتواند زمینه تبادل اطلاعات به وسیله همه مشارکت-کنندگان را فراهم آورد (باقی و همکاران، ۱۴۰۰).

زنجیره مشارکت مردمی: مشارکت مردمی فرآیندی است دربرگیرنده تبادل اطلاعات، مشاوره، تعهد، تصمیمات شراکتی و قدرت شراکتی. در این زنجیره نقش و میزان دخالت مردم در تصمیم‌سازی از پایین-ترین سطح (تبادل اطلاعات) تا بالاترین سطح (قدرت و اختیار) افزایش می‌یابد. میان هر یک از مراحل این فرآیند نمی‌توان حد و مرز قطعی قائل بود. این سطوح با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و هر سطح با توجه به سطوح دیگر شکل می‌گیرد (Smith, ۲۰۰۳).

جدول ۵- زنجیره مشارکت مردمی افزایش میزان همکاری

تبادل اطلاعات Information Exchange	مشاوره Consultation	تعهد/گفت و گو Engagement/Dialogue	تصمیمات شراکتی Shared Decisions	قدرت شراکتی Jurisdiction Shared
دادن اطلاعات و دریافت اطلاعات	من گوش می‌دهم و حرف می‌زنم؛ شما هم گوش کنید و حرف بزنید	ما صحبت می‌کنیم و یکدیگر را درک می‌کنیم	ما تصمیم می‌گیریم	ما مسئول و پاسخگو هستیم
هدف: افزایش آگاهی، آموزش، تبادل دیدگاه‌ها، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، ارتقای تصمیم‌سازی آگاهانه	هدف: ارتباط و جنبه؛ دریافت نظریات، پیشنهادهای و بازخوردها؛ بحث و گفت‌وگو در زمینه اولویت‌ها و افزایش آگاهی‌ها	هدف: جست‌وجوی عمیق درباره نظرات، پیشنهادهای و علایق با تأکید بر خوب گوش دادن و فهم واقعی؛ جست‌وجو در زمینه ارزش-ها و در برخی شرایط حرکت به سوی اجماع و توافق عمومی	هدف: تقسیم مسئولیت‌ها، تمرکززدایی از تصمیم‌سازی در سطوح مختلف اجتماع، انسجام، حل مغایرت‌ها، تخصیص بهینه منابع کمیاب، و مدیریت برنامه‌ها به شیوه‌ای که به ارزشهای مردم احترام گذاشته و آن‌ها را منعکس سازد	هدف: تخصیص قانون-مند قدرت؛ فهم، احترام و انعکاس ارزش‌های جامعه در تصمیمات؛ ایجاد فرصت‌هایی به‌منظور تمرکززدایی سیاسی

• منبع: Smith، (۲۰۰۳)

• گستره چهارسطحی پریسکولی:

Delli Priscoli (۲۰۰۳) وجه تمایز شیوه‌های مشارکتی را در میزان تأثیرگذاری و سهم مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. درک این رابطه اهمیت فراوانی دارد، زیرا مدیریتِ انتظارهای همه کسانی که در فرآیند مشارکت حضور دارند، امری حیاتی است. نکته این نیست که همه تکنیک‌ها باید بر همه تصمیمات مؤثر باشند، زیرا این امر در اکثر موارد به وقوع نمی‌پیوندد. نکته این است که باید با شیوه‌هایی مناسب با رابطه و کار با مردم مشخص کرد. البته این در صورتی است که قرار باشد فرصتی برای موفقیت در فرآیند مشارکتی فراهم آید. پریسکولی مشارکت را در چهار سطح تعریف می‌کند (Delli Priscoli، ۲۰۰۳).

۱- آگاهی در مورد تصمیمات؛

۲- شنیدن نظرهای پیش از تصمیمات؛

۳- تأثیرگذاری بر تصمیمات؛ و

۴- تصمیم سازی و موافقت با تصمیمات.



شکل ۳- سطوح مشارکت (منبع: Delli Priscoli, ۲۰۰۳)

• گستره پنج سطحی IAP2: انجمن بین المللی مشارکت مردمی، مشارکت را در پنج سطح، بدین

شرح طبقه‌بندی می‌کند (Office of the Compliance Advisor/Ombudsman, ۲۰۰۹).

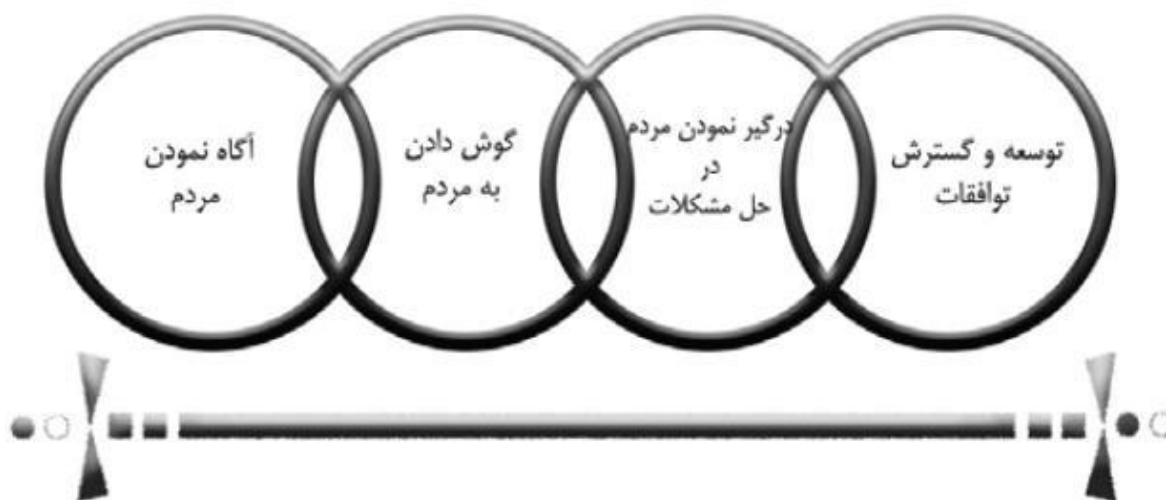
جدول ۶- گستره مشارکت IAP2 افزایش سطح تأثیرگذاری شهروندان

توانمندسازی Empower	همکاری با مردم Collaborate	درگیر ساختن مردم Involve	مشورت Consult	آگاهی‌رسانی Inform	
دادن اختیار تصمیم‌سازی نهایی به مردم	شریک بودن با مردم در تمامی ابعاد تصمیم‌گیری، شامل تکوین آلترناتیوها و تعیین راه‌حل‌های منتخب	کار مستقیم با مردم در تمام طول فرایند، به منظور دادن اطمینان به مردم که نگرانی‌ها و علایق آن‌ها به شکلی مداوم در تمامی فرایند در نظر گرفته خواهد شد.	گرفتن بازخوردها از مردم در زمینه تحلیل‌ها، آلترناتیوها و یا تصمیمات		اهداف مشارکت
۱- اجرای تصمیماتی که مردم گرفته‌اند	۱- در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و ابداعات مردم در تدوین راه‌حل‌ها و گنجاندن پیشنهاد‌های مردم در تصمیمات، در بیشترین حد امکان	۱- کار مستقیم با مردم ۲- در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و خواست‌های مردم در آلترناتیوها ۳- گرفتن بازخوردها	۱- آگاه ساختن مردم ۲- گوش کردن به نگرانی‌ها و خواست‌های مردم ۳- گرفتن بازخوردها	۱- آگاه ساختن مردم	تعهدات مسئولان به مردم

منبع: (Office of the Compliance Advisor/Ombudsman, ۲۰۰۹).

• **حلقه مشارکت:** مشارکت را در عین حال به شکل ساده می‌توان چونان زنجیره‌ای در نظر گفت که این

حلقه‌ها را در بر می‌گیرد (Creighton, ۲۰۰۵).



شکل ۴- حلقه مشارکت (منبع: Creighton, ۲۰۰۵).

۷- پایه‌های اطلاعاتی مشارکت مردمی

نیاز به پایه‌های اطلاعاتی وجود دارد که باید مبنای برنامه‌ریزی مشارکتی قرار گیرد. این پایه اطلاعاتی جهت شناخت وضعیت توسعه روستا و نواحی روستایی جهت ارضای نیازهایشان استفاده می‌شود. به غیر از این منابع اطلاعاتی، یک پیمایش اولیه معمولاً توسط مجریان از طریق پرسشنامه‌های ساخت‌یافته برای تهیه اطلاعات اضافی در مورد جمعیت، اشتغال‌های فصلی، منابع طبیعی، اندازه زمین‌داری، نهاده‌های کشاورزی، تولید محصول و فروش آن، هزینه تولیدات محصولات، تولید دامی، تسهیلات اعتباری، درآمد غیرزراعی، هزینه‌های خانوار، زیرساخت‌ها، بهداشت و مراقبت، نهاده‌های محلی و پیشنهادهای برای فعالیت‌های توسعه‌ای در سکونتگاه‌های انتخاب‌شده صورت می‌گیرد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده به تیم برنامه‌ریزی برای تحلیل بیشتر و تکمیل اطلاعات موجود داده می‌شود (جعفری و صالح‌پورجم، ۱۴۰۲).

این اطلاعات از دو طریق به دست می‌آید:

- a. روش ستادی / کتابخانه‌ای: در این روش اطلاعات موردنیاز بخش‌های مختلف (طبیعی - اجتماعی و اقتصادی) از دستگاه‌های اجرایی جمع‌آوری می‌شود.
- b. روش میدانی: در این روش اطلاعات موردنیاز از طریق پرسش‌نامه در قالب گروه‌های مشارکتی و شورای اسلامی روستاها جمع‌آوری می‌شود.

تحلیل و تشخیص معضلات

تشخیص و ارزیابی مشکلات مهمترین جنبه روند برنامه‌ریزی مشارکتی است. این فرآیند از مفهوم‌پردازی و درک شفاف معضلات آغاز می‌شود. تحلیل مشکلات از مراحل زیر تبعیت می‌کند:

- تشخیص مشکلات و مسائل
- مسائل کلان
- مسائل خرد
- تشخیص مسائل از برنامه‌ها / گزارش‌های بخشی

- درک مسائل از پایه اطلاعاتی روستا
 - تشخیص مسائل و بیان آنها طی نشست‌هایی با جامعه محلی
 - عقلانی‌سازی مسائل (از طریق بحث گروهی درون گروه برنامه‌ریزی)
 - ادغام مسائل خرد - کلان و غیره، ساختار بندی مسائل
 - دسته‌بندی مسائل
 - درک روابط علت و معلولی
 - ارزیابی مسائل در چارچوب مدل SWOT
- روش‌ها و تکنیک‌های تحلیل در مشارکت مردمی
- ❖ مدل SWOT
 - ❖ تحلیل سلسله مراتبی AHP
 - ❖ تکنیک شاخص توسعه‌یافتگی موريس

۸- شیوه‌های مشارکت مردم در کشاورزی و منابع طبیعی

در اجرای پروژه‌های منابع طبیعی و آبخیزداری، سه شیوه کلی برای تعامل با مردم وجود دارد. انتخاب هر شیوه، پیامدهای مستقیمی بر موفقیت، هزینه و پایداری پروژه دارد.

۱. شیوه بالا به پایین (متمرکز)

ویژگی: تمام مراحل طراحی، تصمیم‌گیری، بودجه‌بندی و نظارت فنی توسط نهادهای دولتی و خارج از جامعه محلی انجام می‌شود. مردم عمدتاً در مرحله اجرا به‌عنوان نیروی کار وارد می‌شوند.

محاسن:

سرعت نسبی در تصمیم‌گیری و تخصیص بودجه.

امکان اجرای پروژه‌های پیچیده و پرهزینه که از عهده جامعه محلی خارج است.

معایب:

بی‌اعتمادی و مقاومت مردم به دلیل عدم حس مالکیت.

نادیده گرفتن دانش بومی و نیازهای واقعی محلی.

هزینه بالای نگهداری و احتمال تخریب مجدد پس از اتمام پروژه.

مثال در آبخیزداری:

احداث سازه‌های مهندسی سنگین مانند سدهای خاکی کوتاه، گوره‌های بتنی یا دیوارهای سنگ‌چین

که نیاز به مطالعات فنی دقیق، طراحی مهندسی و نظارت مستمر دارند. موفقیت این پروژه‌ها وابسته به

تخصص فنی دولت است، هرچند مشارکت محلی در حفاظت از آن‌ها حیاتی است.

۲. شیوه پایین به بالا (مردم‌محور)

ویژگی: ابتکار عمل و مدیریت کامل پروژه از تشخیص مشکل تا اجرا و بهره‌برداری در اختیار جامعه

محلی است. دولت نقش حامی و تسهیل‌گر محدودی دارد.

محاسن:

انگیزه و تعهد بسیار بالا در جامعه محلی.

هماهنگی کامل پروژه با دانش بومی و اولویت‌های محلی.

پایداری بسیار بالا و هزینه نگهداری ناچیز.

معایب:

محدودیت در تأمین منابع مالی و فنی برای پروژه‌های بزرگ.

امکان تشدید نابرابری‌های محلی اگر همه گروه‌ها مشارکت نداشته باشند.

زمان‌بر بودن فرآیند تصمیم‌گیری جمعی.

مثال در آبخیزداری:

----- ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری / ۲۲

مدیریت چرای دام و تعیین قرق‌های محلی، احیای مرتع با کشت بذر محلی (کپه‌کاری)، یا احداث بانکت‌های ساده در اراضی شخصی. این فعالیت‌ها با دانش و نیروی کار محلی به راحتی قابل اجرا و مدیریت هستند (کریمی سنگچینی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳. شیوه تلفیقی (مشارکتی)

ویژگی: این شیوه ترکیبی هوشمندانه از دو شیوه قبل است. دولت و مردم از ابتدا به‌عنوان **شرکا** در کنار هم قرار می‌گیرند. دولت تخصص فنی، منابع مالی و پشتیبانی قانونی را تأمین می‌کند و مردم دانش بومی، نیروی کار، مدیریت محلی و نظارت بر اجرا را بر عهده می‌گیرند.

محاسن:

تلفیق مزایای دو شیوه قبل: استفاده از تخصص دولتی و تعهد مردمی.
ایجاد اعتماد متقابل و تقسیم عادلانه‌تر منافع.
مناسب‌ترین شیوه برای بیشتر پروژه‌های آبخیزداری با مقیاس متوسط.

معایب:

نیازمند زمان و فرآیند طولانی‌تر برای ایجاد تفاهم و برنامه‌ریزی مشترک.
نیازمند تسهیل‌گران مجرب برای مدیریت ارتباط بین طرفین.

مثال در آبخیزداری:

اجرای پروژه‌های بیومهندسی (پروژه‌های زیستی) مانند احداث هلالی‌های آبگیر، بذریاشی و نهال‌کاری در عرصه‌های عمومی. در این پروژه‌ها، دولت نهال، بذر و مشاوره فنی می‌دهد و مردم نیروی کار، حفاظت و بهره‌برداری پایدار را مدیریت می‌کنند. **پروژه‌های مدیریت مشارکتی جنگل و مرتع** نیز در این دسته قرار می‌گیرند (زیادبخش، ۱۳۸۵).

جمع‌بندی: انتخاب شیوه مشارکت نباید دلبخواهی باشد. **ماهیت پروژه، مقیاس آن، سطح پیچیدگی فنی و توان سازمان‌های محلی** تعیین‌کننده است. بهترین راهبرد، حرکت به سمت شیوه تلفیقی است که در آن برای هر جزء از پروژه، متناسب با ویژگی‌هایش، از ظرفیت‌های هر دو طرف استفاده بهینه می‌شود.

۹- معیارهای فرآیندی مشارکت در مدیریت حوزه آبخیز

مشارکت مؤثر در مدیریت آبخیز فرآیندی ساختاریافته و چندمرحله‌ای است که باید در چرخه کامل پروژه نهادینه شود. شناسایی این معیارها به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا مشارکت را از یک شعار به برنامه عملیاتی تبدیل کرده و میزان درگیری واقعی جامعه محلی را ارزیابی نمایند. بر پایه جمع‌بندی پیشینه تحقیق (زیادبخش، ۱۳۸۵)، مهم‌ترین معیارهای فرآیندی مشارکت در مدیریت حوزه آبخیز در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

این معیارها نشان می‌دهند که مشارکت واقعی:

- از همان ابتدا آغاز می‌شود: از مرحله نیازسنجی و تشخیص مشکل.
- فراتر از کار فیزیکی است: شامل مشارکت مالی، فکری و آموزشی نیز می‌شود.
- مستمر است: حتی پس از اتمام اجرا، در قالب نظارت مردمی تداوم می‌یابد.

تفاوت میان مشارکت کارگری (که تنها معیار ۸ را شامل می‌شود) و مشارکت همه‌جانبه (که تمام یا بیشتر معیارها را دربر می‌گیرد) در همین چارچوب آشکار می‌شود. دستیابی به پایداری در پروژه‌های آبخیزداری مستلزم حرکت به سمت تحقق حدبیشتری این معیارها و تبدیل مشارکت به فرآیندی یکپارچه و مسئولیت‌پذیر است.

جدول ۷- شرح معیارهای فرآیندی مشارکت در مدیریت حوزه آبخیز

معیار	شرح
تشخیص و اعلام نیازهای توسعه	شناسایی و تبیین نیازهای اولیه توسعه محلی در حوزه آبخیز
ترغیب و بسیج مردم به همکاری	تشویق مردم به همکاری و شرکت در برنامه‌های توسعه حوزه آبخیز
شرکت در جلسات تصمیم‌گیری	حضور در جلسات تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و اعلام نظر و رأی خود
مشارکت مالی در برنامه‌های توسعه	تأمین بخشی از منابع مالی برنامه‌های در حد مقدرات و توان جوامع محلی

معیار	شرح
هدایت و راهنمایی عوامل اجرایی	ارائه اطلاعات و راهنمایی برای شناخت بهتر حوزه و اجرای مناسب برنامه‌ها
اختصاص مکان اجرای برنامه توسعه	تأمین مکان اجرای برنامه‌ها به‌طور مثال برای مزارع و مراتع نمونه و الگویی
شرکت در دوره‌های آموزشی	حضور در دوره‌های ترویجی و بهره‌مند شدن از دانش و فناوری مربوطه
شرکت در اجرای برنامه	حضور در اجرای برنامه و ارائه نیروی کار و تسهیم منابع در اختیار
شرکت در نظارت بر اجرای برنامه	قبول مسئولیت بخشی از فعالیت‌های نظارتی برنامه‌های توسعه محلی

در نهایت، معیارهای فرآیندی مشارکت نشان می‌دهد که مشارکت واقعی، فراتر از صرف اجرا است و از آگاهی تا نظارت را در بر می‌گیرد. موفقیت پروژه‌های آبخیزداری در گرو حرکت از «مشارکت برای اجرا» به سمت «اجرا برای تحقق مشارکت کامل» است، جایی که جامعه محلی در همه مراحل، مالک، ناظر و بهره‌بردار آگاه پروژه است.

۱۰- دیدگاه‌های موجود در رویکرد مشارکتی

رویکرد مشارکتی در مدیریت منابع آب و خاک بر تعامل دو طرف اصلی استوار است: جامعه محلی و دستگاه‌های اجرایی. تحول این دیدگاه از الگوی بالا به پایین (که در آن دولت تصمیم‌گیرنده مطلق بود) به سمت الگوی مشارکتی و تلفیقی، نقطه عطفی در مدیریت منابع طبیعی محسوب می‌شود. در گذشته، دولت نقش «عامل توسعه» و مردم نقش «اجراکننده» را داشتند. امروزه تأکید بر هم‌توانی و هم‌دانشی است: دولت با دارایی‌های فنی، مالی و قانونی، و مردم با دانش بومی، نیروی کار و انگیزه ذاتی برای حفظ منابع معیشتی خود (مهرایی، ۱۳۸۵).

جدول ۸ تقابل دیدگاه‌های گذشته با واقعیت‌های کنونی را نشان می‌دهد و جدول ۹ سیر تحول این نگرش را در چند دهه گذشته ترسیم می‌کند. نتیجه این تحول، گذار از رابطه یکطرفه و دستوری به سوی تعامل دوسویه و شراکتی است که در آن تصمیم‌گیری، اجرا و بهره‌برداری با مشارکت واقعی همه ذی‌نفعان انجام می‌پذیرد.

جدول ۸- مقایسه دیدگاه‌ها در زمینه رویکرد مشارکتی

واقعیت		دیدگاه‌های گذشته	
دلایل و مستندات	ماهیت واقعی مردم	مردم	کارگزاران دولتی
پژوهش‌ها و نظرات درباره فقدان شناخت از مردم	مردم می‌فهمند و آگاهند	مردم نمی‌دانند و ناآگاهند	کارگزاران دولت می‌دانند و آگاهند
مکان و زمان در کنترل مردم نیست	رشادت و تکلیف مردم در چنبره پیچیدگی‌های قوانین و دستگاه-های اجرایی گیر کرده است.	مردم محجورند و غیرمکلف	کارگزاران دولت رشیدند و مکلف
چون منطبق با نیرومندی‌های آنان نیست. قانون با عرف در تضاد است.	روش‌های عرفی دارند و مطابق آن عمل می‌کنند.	مردم اجرا نمی‌کنند و مجرمند	دولت قانون منابع طبیعی وضع می‌کند
قرق‌های غیرمشارکتی و تخریب مجدد عرصه‌های احیا شده.	حرکت مردم طبیعی است، چون در هیچ‌کدام از ابعاد پروژه دخالت داده نشده‌اند.	مردم موضعی و مقطعی برخورد کنند.	دولت تصمیم می‌گیرد، پروژه تهیه می‌کند و دستور می‌دهد

جدول ۹- بررسی تجربیات چند دهه گذشته در مورد سیر تحول اندیشه و رویکرد مشارکتی

مردم	کارگزاران	زمان
آن‌ها نمی‌دانند آن‌ها نمی‌توانند آن‌ها ندارند.	ما می‌دانیم ما می‌توانیم ما داریم	پیش از دهه ۱۳۵۰ (پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی)
آن‌ها می‌دانند. آن‌ها می‌توانند آن‌ها دارند	ما نمی‌دانیم ما نمی‌توانیم ما نداریم	از دهه ۱۳۵۰ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ (از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰ میلادی)
آن‌ها هم می‌دانند (تجربه، مهارت، آگاهی و دانش بومی) آن‌ها هم می‌توانند آن‌ها هم دارند (نیروی انسانی و مالی)	ما می‌دانیم (دانش علمی، فنی و آگاهی) ما می‌توانیم ما داریم (اعتبارات)	امروزه
	کارگزاران و مردم با هم می‌دانند. با هم می‌توانند با هم دارند.	امیدواری برای آینده

۱۱- پیش‌نیازها و اصول مشارکت کارآمد

براساس تعاریف و دستورالعمل‌هایی که تاکنون به چاپ رسیده است، استفاده از نیروهای بومی در اجرای

پروژه‌های آبخیزداری در صورتی کارآمد و مفید است که در ابتدا به پیش‌نیازهای زیر توجه شود:

- زمان برای مشارکت کافی باشد. فعالیت‌هایی که به سرعت و اضطرار صورت می‌پذیرند به‌سختی می‌توانند مشارکت دیگران را جلب کنند.
 - فواید مشارکت مردم در پروژه‌ها و برنامه‌ها باید برای افراد تشریح شود تا بتوانند با یک جمع‌بندی، نتایج مثبت مشارکت را درک کنند.
 - موضوع مشارکت باید موردعلاقه و نیاز مشارکت‌کنندگان باشد. بدون علاقه مشارکت حقیقی و همه-جانبه صورت نمی‌پذیرد.
 - در پروژه‌های مشارکتی مردم باید توانایی انجام آنچه به آن‌ها واگذار می‌شود را داشته باشند (دستورانی و همکاران، ۱۳۸۸).
- بعد از در نظر گرفتن پیش‌نیازهای مشارکت، برای به‌دست آوردن یک همکاری مناسب با مردم منطقه باید یک‌سری اصول مشارکتی در نظر گرفته شوند که عبارتند از:
- مشارکت مردم باید در تمام مراحل پروژه باشد. یعنی طوری نباشد که افراد تنها برای به‌کارگیری و کارهای جسمی به همکاری طلبیده شوند و از هم‌فکری آن‌ها استفاده نشود. بدیهی است که مردم بر اثر تجربه و دانش بومی که دارند مشاوران خوبی در مراحل مختلف پروژه می‌توانند باشند.
 - ارتباط با مردم همراه با احترام باشد. مردم دارای مهارت و تجارب کافی برای انجام کارهای مربوط به جامعه خود هستند، در تماس با مردم باید به تجارب آن‌ها احترام گذاشت.
 - قبل از اجرای پروژه باید دانش و تجربیات مردم در زمینه‌های مختلف مورد شناسایی قرار بگیرد زیرا دانش بومی مملو از مطالبی است که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.
 - در فعالیت مشارکتی باید به اصل آزادی افراد توجه شود. مشارکت بدون توجه به اصل آزادی و دموکراسی عملی نیست. هر یک از مشارکت‌کنندگان باید با امنیت کامل دیدگاه‌ها و نظرات خود را بیان دارند.

- برگزاری دوره‌های متنوع برای یادگیری مسائل مختلف باید در دستور کار قرار گیرد. مشارکت زمانی صورت می‌گیرد که مردم درباره مسائل اطراف خود هر آنچه لازم است، بدانند.
- در مشارکت باید از دیدگاه پایدار برخوردار باشیم و مشارکت باید پایداری تغییرات را تضمین کند.
- در مشارکت، واقعیات از قبل برای افراد مشخص شوند.
- در مشارکت باید احتمال عدم موفقیت برای افراد مشخص شود.
- میزان مشارکت در پروژه‌ها هر چه بیشتر باشد میزان موفقیت پروژه‌ها بالاتر می‌رود (دستورانی و همکاران، ۱۳۸۸).

پیش‌نیازها و اصول مشارکت کارآمد نشان می‌دهد که مشارکت واقعی، **یک شانس یا لطف نیست، بلکه یک فرآیند برنامه‌ریزی شده** است که نیازمند بسترسازی دقیق (پیش‌نیازها) و رعایت اصول رابطه‌ای برابر (اصول) است. موفقیت پروژه‌های آبخیزداری در گروهی این است که **مشارکت از اولین گام طراحی تا آخرین مرحله نظارت، به صورت عینی و محترمانه جریان داشته باشد.**

۱۲- اهمیت مشارکت زنان در حفاظت از منابع طبیعی

پیوند عمیق زنان با محیط‌زیست و منابع طبیعی، ناشی از نقش کلیدی آنان در معیشت خانوار و مدیریت مصرف است. این ارتباط مستقیم، سبب شده تا زنان نگهبانان دانش بومی و نخستین متولیان حفاظت در سطح محلی باشند. مطالعات نشان می‌دهد، مشارکت فعال زنان تضمین می‌کند که پروژه‌های منابع طبیعی با واقعیت‌های زندگی روزمره هماهنگ شده و پشتیبانی گسترده‌تری در جامعه محلی بیابد (نصیری و همکاران، ۱۳۸۶). نادیده‌گرفتن این نقش، به منزله غفلت از نیمی از نیروی انسانی و دانش عملی مؤثر در مدیریت پایدار عرصه‌های طبیعی است.

تجربه جهانی نیز بر این اهمیت صحنه می‌گذارد. جنبش‌هایی مانند «چیپکو» در هند و «کمربند سبز» در کنیا نمونه‌های درخشانی هستند که پایه خود را بر سازمان‌دهی، دانش و نیروی زنان روستایی قرار داده و

تأثیر شگرفی بر احیای محیط زیست و توانمندسازی اجتماعی داشته‌اند (Unesco, ۱۹۹۵؛ Agarwal, ۲۰۰۹). این جنبش‌ها نشان دادند که توانمندسازی زنان محرک قدرتمندی برای توسعه پایدار و تاب‌آوری اکولوژیکی است.

در ایران، با توجه به ساختار اجتماعی و تقسیم کار سنتی در مناطق روستایی و عشایری، زنان نقش بی‌بدیلی در مدیریت آب، جمع‌آوری محصولات فرعی و مراقبت از دام‌های کوچک دارند. با این حال، ظرفیت آنان در فرآیندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری پروژه‌های منابع طبیعی عمدتاً مغفول مانده است (شریعتی و همکاران، ۱۳۸۴؛ باقری و رضوان‌فر، ۱۳۹۸).

اولویت اصلی در بستر ایران، شناسایی، سازمان‌دهی و توانمندسازی تشکل‌های زنان محلی است. این کار از طریق:

- ایجاد شبکه‌های زنان تسهیل‌گر در حوزه‌های آبخیز.
- تخصیص تسهیلات اعتباری خرد ویژه زنان برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای پایدار مرتبط با منابع طبیعی.
- گنجاندن سهمیه و صدای اجباری برای زنان در شوراهای مشارکتی آبخیزداری.
- مستندسازی و به کارگیری دانش بومی زنان در برنامه‌های احیا و حفاظت.

می‌تواند این نیروی عظیم را به بازیگری فعال تبدیل کند. سرمایه‌گذاری بر مشارکت زنان در ایران، یک ضرورت راهبردی برای تحقق امنیت غذایی، کاهش فقر روستایی و پایداری اکولوژیکی محسوب می‌شود (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰؛ برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور).

پیوند ژرف زنان با محیط‌زیست و نقش محوری آنان در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیز آشکار است. تجربه نشان می‌دهد تشکل‌های زنان محور با تکیه بر دانش بومی، در حفاظت و احیای عرصه‌های طبیعی مؤثرند؛ روندی که در سطح جهانی نیز رو به گسترش است. نمونه‌های موفق بین‌المللی همچون جنبش‌های چپیکو در هند و کمربند سبز در کنیا بر سازمان‌دهی خودجوش زنان روستایی و استفاده از دانش محلی برای تلفیق نیازهای جامعه و طبیعت استوار است (نیک‌خواه و همکاران، ۱۳۹۹؛ Unesco, ۱۹۹۵).

نمونه‌های عینی مانند ابتکار زنان در ایالت آندراپرادش هند برای احیای زمین‌های تخریب‌یافته (جعفری و صالح‌پورجم، ۱۴۰۲) و مشارکت مؤثر زنان در پروژه‌های جنگلی سنگال به دلیل مسئولیت سنتی در آبرسانی و دیدگاه احیامحور (مصفاei و همکاران، ۱۳۹۹)، گواه کارآمدی و پایداری این مشارکت است.

۱۲-۱- راهبردهای جلب مشارکت زنان در منابع طبیعی

۱- نظام مشارکت دولتی: در این شیوه تمامی مراحل مدیریت بر منابع طبیعی در بخش‌های مختلف جنگل، مرتع و بیابان توسط دولت اداره می‌شود. سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های مختلف منابع طبیعی موجب شده است، بخش عمده‌ای از زنان ساکن این عرصه‌ها در قالب نیروهای تولیدکننده صنایع دستی با استفاده از مواد طبیعی قابل دسترس و نیز پرورش‌دهنده گیاهان دارویی محلی مشغول به فعالیت شوند.

۲- نظام مشارکت خصوصی: بخش خصوصی با استفاده از سرمایه‌های شخصی و بهره‌مندی از تسهیلات وام بانکی، برابر دستورالعمل‌های کتابچه پروژه به انجام تعهدات در زمینه‌های حفاظت، احیا، اصلاح، بهره‌برداری بهینه و توسعه منابع طبیعی اقدام می‌کند، مثل مجریان پروژه‌های خصوصی جنگلداری و مجریان بهره‌برداری از گیاهان مرتعی و بومی که در این الگوها، فعالیت‌هایی مانند تهیه طرح، تدوین دستورالعمل‌های فنی و اجرایی، نظارت و پشتیبانی توسط دولت انجام می‌شود و اجرای پروژه‌ها با مدیریت بخش خصوصی انجام می‌گیرد.

۳- نظام مشارکت زنان به شیوه تعاونی: تعاونی به‌عنوان یک نظام مشارکتی در مناطقی تشکیل می‌شود که به علت مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امکان اجرای سایر نظام‌های بهره‌برداری به شیوه‌های دولتی و خصوصی میسر نیست. در این نظام حق بهره‌برداری از عرصه‌ها برای مدتی معین براساس کتابچه طرح به بومیان و ساکنان منطقه مورد نظر براساس فروش سهام واگذار می‌شود. مردم موظفند ضمن بهره‌برداری اصولی اقدام به حفظ، احیا، اصلاح و توسعه عرصه‌های منابع

طبیعی کنند؛ همچنین وظیفه دارند تمامی عوامل تخریب را به کنترل در آورند مانند تعاونی زنان در تولید محصولات فرعی مرتعی و جنگلی.

۴- نظام مشارکت عمومی: با توجه به گستردگی عرصه‌های منابع طبیعی و تنوع مسائل و مشکلات موجود، امکان حفاظت، احیا و توسعه منابع طبیعی در گرو عزم ملی و مشارکت و بسیج آحاد مردم است. این مشارکت می‌تواند از سنین خردسالی شروع شود و تا سنین کهولت تداوم داشته باشد. در نظام مشارکت عمومی از طریق آموزش‌های همگانی، در بین اقشار مختلف مردم ایجاد حساسیت می‌شود، اعم از دانش آموزان، دانشجویان و معلمان. نهضت سوادآموزی، سازمان‌های غیردولتی زنان (NGO)، سازمان حفاظت محیط زیست و تمامی ارگان‌هایی که به گونه‌ای با زنان و عرصه‌های منابع طبیعی مرتبط هستند، عهده‌دار آموزش‌اند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰).

۱۲-۲- نقش دولت در فرآیند مشارکت زنان در حفاظت از منابع طبیعی

۱- آگاهی: پیش‌نیاز مشارکت زنان، آگاهی دادن به آنهاست. در این مرحله باید علت و ضرورت همکاری و نقش زنان به آنها آموزش داده شود. تجربه نشان داده است زنان زمانی آماده صرف هزینه برای حل یک مسأله هستند که ابتدا مسأله را بشناسند تا انگیزه لازم را پیدا کنند. بنابراین، مقدمه مشارکت، آگاهی از طریق ترویج و گسترش فرهنگ منابع طبیعی به آنان از طریق آموزش است.

۲- سازماندهی: دومین مرحله مشارکت، سازماندهی زنان در قالب تشکل‌های رسمی و محلی است. در این مرحله زنان در گروه‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف گرد می‌آیند. این تشکل‌ها باعث می‌شوند بهره‌برداران نظم یابند تا امکان ارائه خدمات به آنان فراهم شود؛ همچنین قادر شوند مسائل و مشکلات موجود را به آسانی به مقامات ارائه نمایند، ضمناً حمایت‌های لازم را با سرعت و دقت بیشتر دریافت کنند.

۳- پشتیبانی و حمایت: سومین اقدام برای مشارکت دادن زنان در منابع طبیعی، پشتیبانی و حمایت- های حقوقی، اداری، اعتباری و برنامه‌ای است. در این مرحله است که تشکل‌ها از قدرت کافی برای حضور همه جانبه برخوردار می‌شوند و به‌خوبی می‌توانند ایفاگر نقش واگذار شده باشند (کریمی سنگچینی و الوندی، ۱۴۰۲).

۱۳- انواع مشارکت در پروژه‌های آبخیزداری

مشارکت در پروژه‌های آبخیزداری را می‌توان براساس معیارهای مختلف دسته‌بندی کرد. شناخت این انواع به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا متناسب با شرایط هر پروژه و جامعه محلی، شیوه مناسب مشارکت را انتخاب کنند. مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها به شرح زیر است (طالشی و عفتی، ۱۳۹۶):

۱. براساس چگونگی عضویت: مشارکت طبیعی، مشارکت ارادی، مشارکت اجتماعی، مشارکت خودانگیخته و مشارکت تحمیلی (اجباری)

۲. براساس موضوع: مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی، مشارکت فرهنگی و مشارکت سیاسی

۳. براساس فرآیند برنامه‌ریزی: مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اجرا، مشارکت در بهره‌برداری و نگهداری و مشارکت در ارزشیابی

۴. براساس سطح اجرایی: برنامه‌ریزی محلی، مشارکت منطقه‌ای، مشارکت ملی و مشارکت بین‌المللی

این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که مشارکت می‌تواند در اشکال، سطوح و مراحل مختلف بروز یابد. برای دستیابی به مشارکت مؤثر و پایدار در پروژه‌های آبخیزداری، لازم است نوع مشارکت متناسب با اهداف پروژه، ویژگی‌های جامعه محلی و ساختار حکمرانی انتخاب شده و در تمام مراحل چرخه پروژه نهادینه شود.

۱۴- عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری

مشارکت مؤثر مردم در پروژه‌های آبخیزداری تابع مجموعه پیچیده‌ای از عوامل درهم‌تنیده است که در صورت شناسایی و مدیریت صحیح، می‌توانند زمینه‌ساز حضور فعال و پایدار جوامع محلی شوند. براساس

----- ضرورت مشارکت مردمی در اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های آبخیزداری / ۳۲

مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی، عوامل کلیدی مؤثر بر مشارکت را می‌توان در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی کرد (جدول ۱۱):

۱. عوامل اقتصادی-معیشتی:

- سطح درآمد و تمکن مالی خانوار (خلیقی و چکشی، ۱۳۸۴؛ حسینی و همکاران، ۱۳۸۵)

- دسترسی به تسهیلات اعتباری و وام با شرایط مناسب (بقایی و همکاران، ۱۳۸۵)

- وابستگی معیشتی به منابع طبیعی (خاکی، ۱۳۸۲)

۲. عوامل شناختی-نگرشی:

- آگاهی از اهداف و منافع پروژه (طالشی و عفتی، ۱۳۹۶؛ بقایی و همکاران، ۱۳۸۵)

- باور به اثربخشی اقدام جمعی و تجربیات گذشته (ملک‌محمدی، ۱۳۷۳؛ بقایی و همکاران، ۱۳۸۵)

- نگرش مثبت به کار گروهی و مشارکت (حسینی و همکاران، ۱۳۸۵)

۳. عوامل اجتماعی-سازمانی:

- وجود رهبران و نهادهای محلی مورد اعتماد (حسینی، ۱۳۸۴ به نقل از کودر، ۱۹۹۵؛ بقایی و همکاران،

۱۳۸۵)

- انسجام اجتماعی و کاهش اختلافات محلی (بقایی و همکاران، ۱۳۸۵)

- نقش تشکل‌های غیردولتی و مردمی (Fisher، ۱۹۹۳)

۴. عوامل فنی-اجرایی:

- همخوانی پروژه با دانش و نیازهای محلی (دستورانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ Pai و Alathur، ۲۰۲۵)

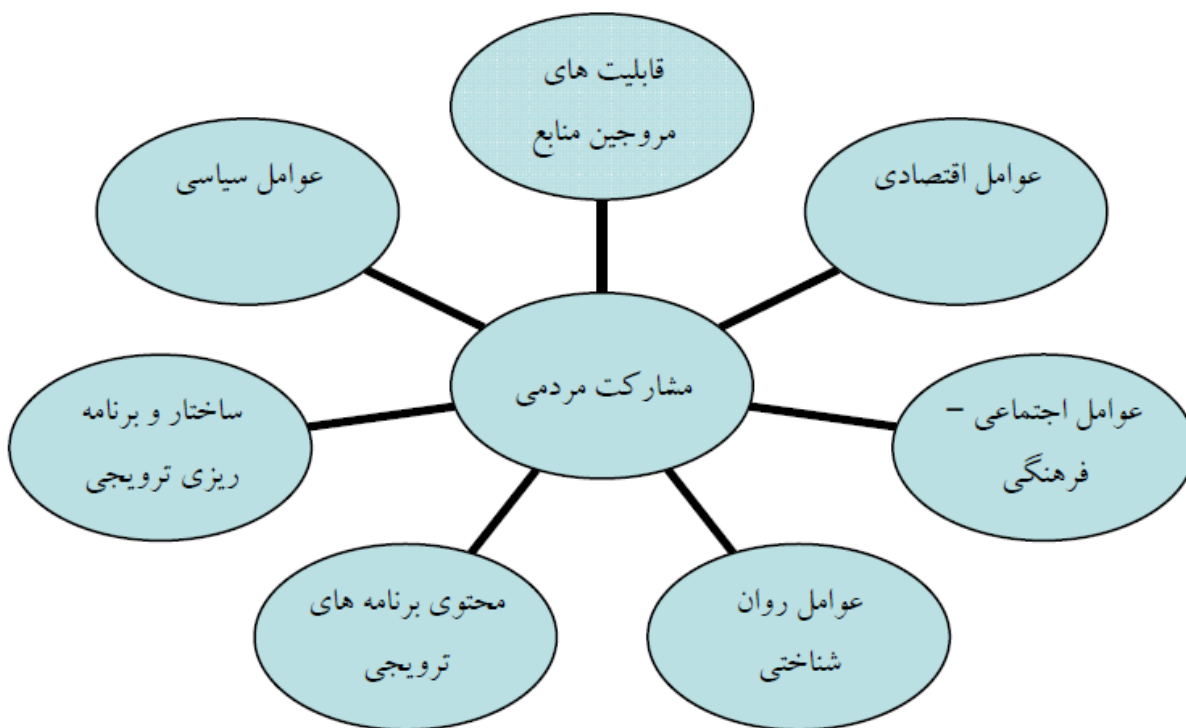
- پشتیبانی فنی و آموزشی مستمر (شریعتی، ۱۳۸۲؛ ملک‌محمدی، ۱۳۷۹)

۵. عوامل ارتباطی-اطلاعاتی:

- کیفیت ارتباط دوسویه بین مردم و کارشناسان (ملک‌محمدی، ۱۳۷۳؛ صالحی، ۱۳۸۶)

- به‌کارگیری دانش بومی در طراحی و اجرا (دستورانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ Chan و همکاران، ۲۰۰۸)

این عوامل در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و غفلت از هر یک می‌تواند مانع مهمی در مسیر مشارکت واقعی ایجاد کند. بنابراین، برنامه‌ریزی مشارکتی باید مبتنی بر تحلیل همه‌جانبه این عوامل و طراحی مداخلات مناسب برای تقویت عوامل تسهیل‌گر و تضعیف موانع باشد. آرایش و فرج‌اله حسینی (۱۳۸۹)، چندین عامل مهم را مؤثر بر مشارکت مردم در پروژه‌های منابع طبیعی می‌دانند که در شکل زیر به آن‌ها پرداخته شده است:



شکل ۵- عوامل مؤثر بر مشارکت‌های مردمی در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی

بقای و همکاران (۱۳۸۵) اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در پروژه‌های آبخیزداری را براساس نظرات ذی‌نفعان و کارشناسان انجام دادند. اولویت‌بندی این عوامل در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۱۰- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در پروژه‌های آبخیزداری (بقای و همکاران، ۱۳۸۵)

اولویت	شرح
۱	قوانین آسان‌تری برای وام گرفتن وضع شود.
۲	اقدام مدیریتی توسط دولت انجام شود.
۳	دولت اقدام به تهیه و توزیع نهال رایگان کند.

اولویت	شرح
۴	برخی کارها که از عهده مردم بر نمی‌آید دولت خودش انجام دهد.
۵	مردم را نسبت به مزایای پروژه‌های آبخیزداری آشنا سازد.
۶	توسط دولت خدمات مشاوره‌ای به مردم داده شود.
۷	پروژه‌های آبخیزداری در قالب تعاونی انجام شود.
۸	افرادی که طرح‌ها را انجام داده اند برای مردم از مزایای پروژه‌ها بگویند.
۹	در صورت انجام این طرح‌ها توسط مردم، مورد تشویق قرار بگیرند.
۱۰	نظر مردم در تمام مراحل اجرای طرح مدنظر قرار گیرد.
۱۱	با طرح‌هایی که در سایر مناطق انجام شده آشنا شوند. و از آن‌ها بازدید کنند.
۱۲	پروژه‌های آبخیزداری باید برگرفته از تجربیات روستاییان باشد.
۱۳	این کار توسط شورا انجام شود.

موفقیت هر پروژه آبخیزداری در گرو مشارکت فعال جامعه محلی است. اما این مشارکت خود تابعی از مجموعه پیچیده‌ای از عوامل درهم‌تنیده است. براساس ترکیب یافته‌های پژوهش‌های مندرج در این اثر، عوامل کلیدی مؤثر بر مشارکت را می‌توان در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی و تحلیل کرد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- عوامل کلیدی مؤثر بر مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری و تحلیل اهمیت هر یک

منابع شاخص	اهمیت و تحلیل (چرا مهم است؟)	عامل کلیدی	دسته عامل
خلیقی و چکشی (۱۳۸۴)، حسینی و همکاران (۱۳۸۵)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	مهمترین محرک/ مانع ملموس مردم محروم نمی‌توانند زمان و منابع خود را بدون چشم‌انداز جبران معیشتی، صرف پروژه‌های بلندمدت کنند.	درآمد و تمکن مالی	عوامل اقتصادی - معیشتی
بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	تسهیلات بانکی با شرایط سهل، ریسک مالی مشارکت را کاهش داده و امکان سرمایه‌گذاری اولیه مردم در طرح را فراهم می‌کند.	دسترسی به تسهیلات اعتباری	
طالشی و عفتی (۱۳۹۶)، بقایی و همکاران	پیش‌نیاز روانی مشارکت افراد باید بدانند طرح چیست و به نفع شخصی و جمعی آنان است. عدم آگاهی منجر به بی‌تفاوتی می‌شود.	آگاهی از اهداف و منافع طرح	
ملک‌محمدی (۱۳۷۳)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	اگر مردم براساس تجربیات گذشته (شکست طرح‌های دولتی) به کارایی کار گروهی بی‌اعتماد باشند، انگیزه‌ای برای مشارکت نخواهند داشت.	باور به اثربخشی اقدام جمعی	عوامل شناختی - نگرشی
حسینی (۱۳۸۴) به نقل از کودر (۱۹۹۵)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	تسهیل‌گر اصلی رهبران محلی (شورا، ریش سفیدان) می‌توانند اعتماد عمومی را جلب و مردم را سازماندهی کنند. مخالفت آنان می‌تواند پروژه را متوقف کند.	وجود رهبران و نهادهای محلی مورد اعتماد	عوامل اجتماعی - سازمانی
بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	در جوامع با شکاف داخلی، تمرکز بر هدف مشترک دشوار است. پروژه‌های آبخیزداری گاه خود می‌توانند محرک اختلاف باشند.	انسجام اجتماعی و کاهش اختلافات	
دستورانی و همکاران (۱۳۸۸)، Alathur و Pai (۲۰۲۵)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	پروژه‌های «فالب‌شده» و غیرمنعطف که دانش بومی را نادیده می‌گیرند، حتی با انگیزه اقتصادی بالا نیز با مقاومت روبرو می‌شوند. مشارکت در طراحی، تضمین اجراست.	انعطاف و همخوانی پروژه با دانش و نیاز محلی	
شریعی (۱۳۸۲)، ملک‌محمدی (۱۳۷۹)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	مردم برای اجرای صحیح فنی و نگهداری پروژه نیاز به دسترسی به کارشناسان و آموزش‌های عملی دارند. فقدان این پشتیبانی	پشتیبانی فنی و آموزشی مستمر	عوامل فنی - اجرایی

منابع شاخص	اهمیت و تحلیل (چرا مهم است؟)	عامل کلیدی	دسته عامل
ملک‌محمدی (۱۳۷۳)، صالحی (۱۳۸۶)، بقایی و همکاران (۱۳۸۵)	منجر به شکست فنی طرح می‌شود. ارتباط دوسویه، صادقانه و مستمر، اعتماد را می‌سازد. ارتباط ضعیف یا یک‌طرفه (فقط دستور دادن)، مشارکت را تخریب می‌کند.	کیفیت ارتباط بین مردم و کارشناسان	
دستورانی و همکاران (۱۳۸۸)، Chan و همکاران (۲۰۰۸)، حسینی (۱۳۸۴) به نقل از کودر (۱۹۹۵)	به رسمیت‌شناختن و تلفیق دانش بومی با دانش فنی، حس مالکیت و غرور را در مردم ایجاد کرده و کیفیت طرح را افزایش می‌دهد.	استفاده از دانش بومی	۵. عوامل ارتباطی - اطلاعاتی

۱۴-۱- مروری بر یافته‌های پژوهشی داخلی در پژوهشکده و مراکز استانی

علاوه بر مطالعات عمومی مورد استناد، پژوهش‌های میدانی متعددی توسط محققان پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری و مراکز تحقیقاتی استانی در حوزه‌های آبخیز مختلف کشور انجام شده است که به تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت در بافت‌های بومی ایران پرداخته‌اند. مرور این پژوهش‌ها عواملی را به تصویر می‌کشد که گاه مختص شرایط اجتماعی-اقلیمی ایران بوده یا بر جنبه‌های خاصی تأکید دارند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

وابستگی شدید معیشتی به منابع طبیعی: در مناطق خشک و نیمه‌خشک، حساسیت معیشتی مردم به کوچک‌ترین تغییر در دسترسی به آب و مرتع، مشارکت را به یک امر حیاتی و نه صرفاً یک انتخاب تبدیل می‌کند (برای نمونه: گزارش طرح‌های تحقیقاتی "بررسی مکانیزم‌های جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های آبخیزداری شهرستان‌های تفت و مهریز استان یزد" خاکی (۱۳۸۲) و "تجربه ترویج و مشارکت مردمی در حوزه آبخیز ریمله گامی در جهت تعمیم الگوی مشارکت" حسینی‌نیا (۱۳۷۶)).

نقش کمرنگ تشکل‌های محلی غیردولتی (NGOها): در بسیاری از مناطق، نبود یا ضعف تشکل‌های محلی مستقل، نقش رهبران سنتی و نهادهای دولتی محلی (شوراها) را به‌عنوان تنها کانال ارتباطی و سازمان‌دهنده، پررنگ‌تر می‌سازد (رجوع شود به گزارش طرح تحقیقاتی "اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت پایدار جوامع روستایی در طرح‌های آبخیزداری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز نیریج استان قزوین)", مصفائی (۱۴۰۳)).

تأثیر مستقیم طرح‌های قبلی (موفق یا شکست‌خورده): حافظه تاریخی قوی روستاییان نسبت به عملکرد دولت در طرح‌های گذشته (مانند طرح‌های جنگل‌داری، مرتع‌داری یا سدسازی)، مهم‌ترین شاخص پیش‌بینی‌کننده اعتماد آنان برای مشارکت در طرح‌های جدید است (رجوع شود به گزارش طرح تحقیقاتی "اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت پایدار جوامع روستایی در طرح‌های آبخیزداری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز جنوب آراد)", صالح‌پورجم (۱۴۰۴)).

چالش توزیع نامتوازن منافع: در پروژه‌های بزرگ، نگرانی از تعلق منافع به گروه یا روستای خاص، می‌تواند به عاملی تضعیف‌کننده انسجام اجتماعی و مشارکت جمعی تبدیل شود (برای مطالعه بیشتر: گزارش نهایی طرح "تحلیل موانع مشارکت مردمی در اجرای پروژه‌های آبخیزداری در حوضه ورس، استان قزوین"، مصفاei (۱۴۰۱)).

۱۵- بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت مردمی به‌عنوان رکن اصلی موفقیت پروژه‌های آبخیزداری شناخته می‌شود. تجربیات گذشته نشان داده است که پروژه‌هایی که با مشارکت فعال و واقعی ذی‌نفعان محلی طراحی و اجرا شده‌اند، نه تنها از پشتیبانی گسترده‌تری برخوردار بوده‌اند، بلکه در بلندمدت پایدارتر بوده و نتایج ملموس‌تری در حفظ و احیای منابع طبیعی داشته‌اند. این مشارکت به‌ویژه هنگامی معنادار و مؤثر خواهد بود که محدود به یک مرحله خاص نبوده و در تمامی مراحل چرخه پروژه - از تشخیص مشکل و برنامه‌ریزی گرفته تا اجرا، بهره‌برداری و پایش و ارزشیابی - جریان داشته باشد. مشارکت تک‌مرحله‌ای (مانند صرفاً تأمین نیروی کار در حین اجرا) نمی‌تواند حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری بلندمدت را در جامعه محلی ایجاد کند.

یکی از کلیدی‌ترین چالش‌ها در مسیر مشارکت، وجود موانع متعدد است. موانعی مانند ناهمخوانی اهداف پروژه با نیازهای واقعی مردم، مشکلات مالی و اعتباری، ضعف در آموزش و آگاهی‌بخشی، و ساختارهای اداری متمرکز و غیرمنعطف، می‌توانند هر گونه تمایل به مشارکت را خنثی کنند. بنابراین، شناسایی و رفع این موانع، گام اول در هر برنامه‌ریزی مشارکتی است. موفقیت در گرو آن است که برای مردم به‌عنوان "ذی‌نفع" و "شریک" ارزش قائل شویم، نه صرفاً "اجراکننده" یا "کارگر".

نقش زنان در حفاظت از منابع طبیعی اغلب نادیده گرفته شده است. در حالی که زنان به‌دلیل ارتباط مستقیم با منابعی مانند آب، خاک و محصولات جنگلی و مرتعی، دانش بومی ارزشمندی دارند و می‌توانند نگهبانان مؤثری برای عرصه‌های طبیعی باشند. طراحی مکانیسم‌های خاص برای جلب مشارکت آنان، از

طریق ایجاد تشکل‌های زنان، ارائه تسهیلات اعتباری و در نظر گرفتن نقش آنان در تمام مراحل مدیریت منابع، می‌تواند ظرفیت عظیمی را برای موفقیت پروژه‌ها آزاد کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که آینده مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز در گرو نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت است. مشارکتی که داوطلبانه، آگاهانه، همه‌جانبه و مستمر در تمامی فازهای پروژه باشد، می‌تواند منجر به توزیع عادلانه‌تر منافع، کاهش هزینه‌های اجرایی، افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری محلی و در نهایت، حفاظت مؤثرتر از سرمایه‌های طبیعی کشور برای نسل‌های آینده شود.

منابع

- آرایش، ب. و فرج‌اله حسینی، س.ج. ۱۳۸۹. تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی تجدیدشونده از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی استان ایلام. نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی). دانشگاه فردوسی مشهد. ۲۴(۱): ۴۹-۵۸.
- اوکلی، پ. و و مارسدن، د. ۱۳۷۰. رهیافت‌های مشارکت در توسعه؛ ترجمه محمودنژاد، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران، ۱۲۰ ص.
- باقی، س.، عادل، ز.، فرجی، ا. ح. و چراغ‌آبادی، س. ۱۴۰۰. مروری بر ضرورت مشارکت در برنامه‌ریزی راهبردی فضایی. مهندسی و مدیریت ساخت، ۶(۳): ۱۵-۲۲.
- بقایی، م.، چیدری، م.، فعلی، س. و میرزایی، آ. ۱۳۸۵. بررسی عوامل مؤثر و بازدارنده مشارکت روستائیان در طرح‌های آبخیزداری و ارائه راهکارهایی جهت افزایش میزان مشارکت آن‌ها مطالعه موردی: حوزه آبخیز زرچشمه هونجان. سمینار برنامه‌ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک کشور. سمنان. ۱۴ ص.
- بهبهانی، م. و قاسمی، ب. ۱۳۷۴. روش‌های مشارکت مردم در مدیریت حوزه‌های آبخیز. نشریه جهاد. شماره ۱۷۶ و ۱۷۷(۱۵): ۱۲-۱۹.
- بیرشک، ا. ۱۳۶۴. کنش فرهنگی برای آزادی. ترجمه کتاب پائوفریه. انتشارات خوارزمی. ۱۲۱ ص.
- پاپزن، ع. ۱۳۸۴. بررسی جایگاه مردم و تشکل‌های مردمی در شبکه ملی ترویج براساس تجربه سایر کشورها. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی، دفتر مطالعات و طراحی نظام ترویج، گروه مطالعات و ارزشیابی آموزشی ترویجی، تهران، ۵۰۲ ص.
- ثلاثی، م. ۱۳۹۲. انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه فرد پلاگ، دانیل بیتس. نشر وزیری. ۸۳۲ ص.

- جعفری، ع. و بیات، پ. ۱۴۰۴. شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت پایدار جوامع روستایی در طرح‌های آبخیزداری حوزه آبخیز سد سنا، استان بوشهر. پژوهش‌های آبخیزداری. ۱۶۲۵.
- جعفری، م.، و صالح‌پور جم، ا. ۱۴۰۲. شناسایی و اولویت‌بندی عامل‌های مؤثر بر مشارکت نداشتن جامعه‌های روستایی در طرح‌های آبخیزداری در آبخیز آسمان‌آباد استان ایلام. پژوهش‌های آبخیزداری. ۳۶(۴): ۲-۱۶.
- حسینی‌نیا، غ. ۱۳۷۶. تجربه ترویج و مشارکت مردمی در حوزه آبخیز ریمله گامی در جهت تعمیم الگوی مشارکت (گزارش نهایی). تهران، ایران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۳۰ ص.
- حسینی، س. م.، فهام ا.، کیوان درویش، ا. ۱۳۸۵. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله‌رود. سمینار برنامه ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک کشور. تهران، ۲۵ ص.
- خاکی، م. ۱۳۸۲. بررسی مکانیزم‌های جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های آبخیزداری شهرستان‌های تفت و مهریز استان یزد (گزارش نهایی). یزد، ایران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی یزد. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. ۱۴۰ ص.
- خلیقی، ن. و همت‌زاده، ی. ۱۳۸۵. بررسی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع و آبخیزداری (مطالعه موردی: حوضه کچیک گلستان). مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی. ۱۳(۴): ۸۸-۹۹.
- خلیقی، ن. و چکشی، ب. ۱۳۸۴. بررسی نقش عوامل اقتصادی روستاییان بر میزان مشارکت آنان در اجرای طرح‌های اصلاحی عرصه‌های طبیعی (حوزه آبخیز چهکنند شهرستان بیرجند). بیابان. ۱۰(۱): ۱۵-۳۲.
- دستورانی، م. ت.، طالبی، ع.، نفرزادگان، ع. ر. ۱۳۸۸. بررسی اهمیت و راهکارهای توسعه مشارکت مردمی در طرح‌های آبخیزداری. جنگل و مرتع. ۸۴: ۷۴-۷۹.
- زیادبخش، س. ۱۳۸۵. مباحثی پیرامون روش مشارکتی مدرسه در مزرعه FFS و نتایج تجارب موفق در این زمینه در راستای توسعه پایدار کشاورزی محیط زیست و منابع طبیعی. سمینار برنامه‌ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک کشور، سمنان، ۱۵ ص.
- شریعتی، م. ر.، زیادبخش، س.، ورامینی، ن. ۱۳۸۴. عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان جنگل‌نشین در حفاظت از جنگل‌های شمال و غرب کشور. فصلنامه جنگل و مرتع، تهران. ۶۷: ۲۳-۲۹.
- شعبانعلی فمی، ح. ۱۳۸۳. رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی. تهران: انتشارات مؤسسه روستایی ایران. ۴۶۱ ص.
- شیخ، و. و مصطفی‌زاده، ر. ۱۳۹۲. راهنمای مدیریت پروژه‌های آبخیزداری. انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان. ۴۳۰ ص.

- صالح پور جم، ا. ۱۴۰۴. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت پایدار جوامع روستایی در طرح‌های آبخیزداری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز جنوب آراد) (گزارش نهایی). پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. ۷۰ ص.
- صالحی، ل. ۱۳۸۶. بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های آبخیزداری، چهارمین همایش ملی علوم مهندسی آبخیزداری. دانشکده منابع طبیعی. دانشگاه تهران. ۸ ص.
- طالشی، م. و عفتی، م. ۱۳۹۶. برنامه‌ریزی مشارکتی. دانشگاه پیام نور. ۲۴۰ ص.
- عثمان پور، م. ۱۳۸۵. بررسی نقش شوراهای اسلامی در حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی استان کردستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۵۰ ص.
- کریمی سنگچینی، ا. و الوندی، ا. ۱۴۰۲. آثار اجتماعی-اقتصادی طرح‌های آبخیزداری اجرا شده از دیدگاه کارشناسان در آبخیز ریمله، استان لرستان. پژوهش‌های آبخیزداری. ۳۶(۱): ۳۴-۴۹.
- کریمی سنگچینی، ا.، اونق، م.، سعدالدین، ا.، طهماسبی پور، ن.، رضایی، ح. ۱۳۹۷. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی و پیش‌بینی پذیرش مردمی سناریوهای مدیریت پوشش گیاهی حوضه حبله‌رود. مهندسی و مدیریت آبخیز. ۱۰(۲۰): ۲۸۰-۲۹۳.
- کریمی سنگچینی، ا.، صالح پورجم، ا. و بهادری، م. ۱۴۰۱. ارزیابی نگرش آبخیزنشینان به طرح‌های مدیریتی در آبخیز ریمله. پژوهش‌های آبخیزداری. ۳۵(۴): ۳۴-۴۶.
- کریمی سنگچینی، ا. ۱۴۰۲. ارزشیابی پروژه‌های آبخیزداری اجرا شده از نظر بهبود روحیه مشارکت مردمی در حوزه آبخیز ریمله، استان لرستان. مهندسی و مدیریت آبخیز. ۱۵(۳): ۴۵۲-۴۶۶.
- محمودیان، ح. ۱۳۷۱. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ۱۲۲ ص.
- مصفائی، ج. ۱۴۰۱. تحلیل موانع مشارکت مردمی در اجرای پروژه‌های آبخیزداری در حوضه ورس، استان قزوین (گزارش نهایی). پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. ۴۷ ص.
- مصفائی، ج. ۱۴۰۳. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت پایدار جوامع روستایی در طرح‌های آبخیزداری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز نیرج استان قزوین) (گزارش نهایی). پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. ۶۷ ص.
- ملک محمدی، ا. ۱۳۷۳. تحقیقی پیرامون شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی. سمینار ملی مرتع و مرتعداری در ایران، ایران. ۸ ص.
- ملک محمدی، ا. ۱۳۷۹. طراحی الگوی اصلاح ساختار تعاونی‌های جنگل‌نشین برای تأمین مشارکت نظام‌یافته مردمی در مدیریت جنگل‌های شمال. مجله جنگل و مرتع. شماره‌های ۵۳-۴۷: ۱۸-۱۲.
- مهربانی، ع. ا. ۱۳۸۵. تحلیلی نظریه‌پردازانه بر مفهوم مشارکت مردمی با تکیه بر تجربه حوزه آبخیز حبله‌رود. سمینار برنامه‌ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک کشور، سمنان. ۱۶ ص.

- نصیری، م.، پاپلی‌یزدی، م.، و وثوقی، ف. ۱۳۸۶. گسترش مشارکت زنان در آب‌خیزداری: چالش‌ها و رهیافتها (پژوهش موردی: حوزه آب‌خیز حبله رود). مجله علوم انسانی. ۱۴(۳): ۹۹-۱۱۳.
- نیکخواه، ه.، ظهیری‌نیا، م.، و کمالی، س.م.ا. ۱۳۹۹. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب. جامعه‌شناسی کاربردی. ۳۱(۳): ۱۲۱-۱۴۲.
- Arnstein, S. 1969. A Ladder of Citizen Participation, AIP Journal. 216-224.
- Chan, T., Powell, B., Hoverman, S., and Ross, H. 2008. Participatory approaches in developing a model to assist water resource management in a catchment in the Solomon Islands. International Congress on Environmental Modelling and Software. iEMSs. pp 850-857.
- Creighton, J. 2005. The Public Participation Handbook: Making better Decisions Through Citizen Involvement, John Wiley & Sone, San Francisco, 272 p.
- Delli Priscoli, J. 2003. Participation Consensus Building and Conflict Management Training, UNESCO, 60 p.
- Deshler, D. & Sock, D. 1985. Community Development Participation, A Concept Review of the International Literature, Paper presented at the International league for social commitment in Adult Education, Ljungskile, Sweden, 22-26.
- Fisher R.J. 1999. Devolution and Decentralization of Forest Management in Asia. Journal of Forestry. No: 199. vol 2. pp: 23-25.
- Folhes, R.T., Aguiar, A.D., Stoll, E., Dalla-Nora, E.L., Araújo, R., Coelho, A. and Canto, O. 2015. Multi-scale participatory scenario methods and territorial planning in the Brazilian Amazon. Futures. 73: 86-99.
- Fookes, T. 1996. Public Participation & Consultation within the RMA Department of Planning. The University of Auckland, 75 p.
- Hampton, W. 1977. Research into Public Participation in Structure Planning, Public Participation in Planning. Edited by Derrick Sewell & Coppock. John Wiley & Sons Ltd. PP. 27 - 42.
- Hassan, A.N., Muturi, W. & Samantar, M.S. 2018. Factors influencing active community participation in local development projects: a case of JPLG Project in Garowe, Puntland state of Somalia. International Journal of Contemporary Applied Researchs. 5(8): 109-127.
- Krywkow, J. and Hare, M. 2008. Participatory process management. International Congress on Environmental Modelling and Software. iEMSs: pp 888-899.
- Mogomotsi, P.K., Stone, L.S., Mogomotsi, G.E.J. & Dube, N. 2020. Factors influencing community participation in wildlife conservation. Human Dimensions of Wildlife. 25(4): 372-386.
- Newham, L.T.H., Jakeman, A.J. and Letcher, R.A. 2006. Stakeholder participation in modelling for integrated catchment assessment and management: An Australian case study. Intl. J. River Basin Management Vol. 4, No. 3: pp 1-13.
- Office of the Compliance Advisor/Ombudsman. 2008. Participatory Water Monitoring A Guide for Preventing and Managing Conflict. 2121 Pennsylvania Avenue NW Washington, DC 20433 USA. 120p.
- Pai, R.R. & Alathur, S. 2025. Factors influencing sustainable E-participation in public service delivery: A case of rail infrastructure project. Heliyon. 11(4), 34-51.
- Sanoff, H. 2000. Community Participation Methods in Design and Planning, John Wiley & Sons, INC, 305 p.

- Smith, B. 2003. Public Policy and Public Participation Engaging Citizens and Community in the Development of Public Policy, BLSmith Groupwork Inc, 278 p.
- Stocker, F., de Arruda, M. P., de Mascena, K. M., & Boaventura, J. M. 2020. Stakeholder engagement in sustainability reporting: A classification model. Corporate Social Responsibility and Environmental Management. 27(5): 2071-2080.
- Unesco. 1995. Gender Equality and Culture. P: 134. <http://www.unesco.org>.

Abstract

This monograph, titled "The Necessity of Public Participation in the Implementation and Operation of Watershed Management Projects," examines the pivotal role of active and informed participation by local communities and stakeholders in the success and sustainability of watershed management initiatives. Given the vast extent of degraded areas and the limitations of governmental resources, public participation has been identified as a key factor in enhancing effectiveness, reducing costs, and ensuring the continuity of projects. By reviewing the history, concepts, principles, and various levels of participation, this work elucidates the obstacles to public involvement—including the misalignment of projects with local needs, and financial, cultural, and structural barriers—as well as the influencing factors such as economic, social, educational, and attitudinal elements. Furthermore, different modes of participation (top-down, bottom-up, and integrated) and renowned models such as "Arnstein's Ladder of Citizen Participation" and the "IAP2 Spectrum" are introduced and analyzed. The specific role of women in natural resource conservation and strategies for engaging their participation, along with the prerequisites and principles of effective participation (such as raising awareness, respecting indigenous knowledge, and involvement in all project phases) are other central themes of this text. Ultimately, it concludes that achieving comprehensive and sustainable watershed management hinges on moving beyond conventional approaches and adopting a participatory paradigm, based on mutual trust, empowerment of local communities, and the integration of indigenous knowledge with modern science.

Keywords: Empowerment, Integrated Management, Public Participation, Sustainable Development, Watershed Management.

**Ministry of Agriculture-Jahad
Agricultural Research, Education and Extension Organization
Soil Conservation and Watershed Management Research Institute
Agriculture and Natural Resources Research and Education Center of
Lorestan**

Title: The necessity of public participation in the implementation and exploitation of watershed management projects

Authors: Ebrahim Karimi Sangchini, Seyed Hossein Arami, Ehsan Alvandi, Ali Dastranj, Ebrahim Yousefi Mobarhan, Maryam Sadat Jafarzadeh

Editor: Saeed Nabipay Lashkarian

Document Formatting: Abbas Seddigh

Publisher: Soil Conservation and Watershed Management Research Institute

Circulation: 10 copies

Date of Print: Spring 2026

This scientific work has been registered with the series number of **69188** at the date of **2026-04-27** the Agriculture Information and Scientific Documents Center. All rights reserved. No part of this publication may reproduced or translated without the original reference.

**Ministry of Agriculture-Jahad
Agricultural Research, Education and Extension Organization
Soil Conservation and Watershed Management Research Institute
Agriculture and Natural Resources Research and Education Center of
Lorestan**

Monograph:

The necessity of public participation in the implementation and exploitation of watershed management projects

Authors:

Ebrahim Karimi Sangchini, Seyed Hossein Arami, Ehsan Alvandi, Ali Dastranj,
Ebrahim Yousefi Mobarhan, Maryam Sadat Jafarzadeh

Series Number: 69188



Ministry of Agriculture - Jihad
Agriculture Research, Education and Extension Organization
Soil Conservation and Watershed Management Research Institute



Monograph

**The necessity of public participation
in the implementation and exploitation
of watershed management projects**

Authors:

Ebrahim Karimi Sangchini, Seyed Hossein Arami,
Ehsan Alvandi, Ali Dastranj, Ebrahim Yousefi Mobarhan,
Maryam Sadat Jafarzadeh

Series Number: 69188

2026